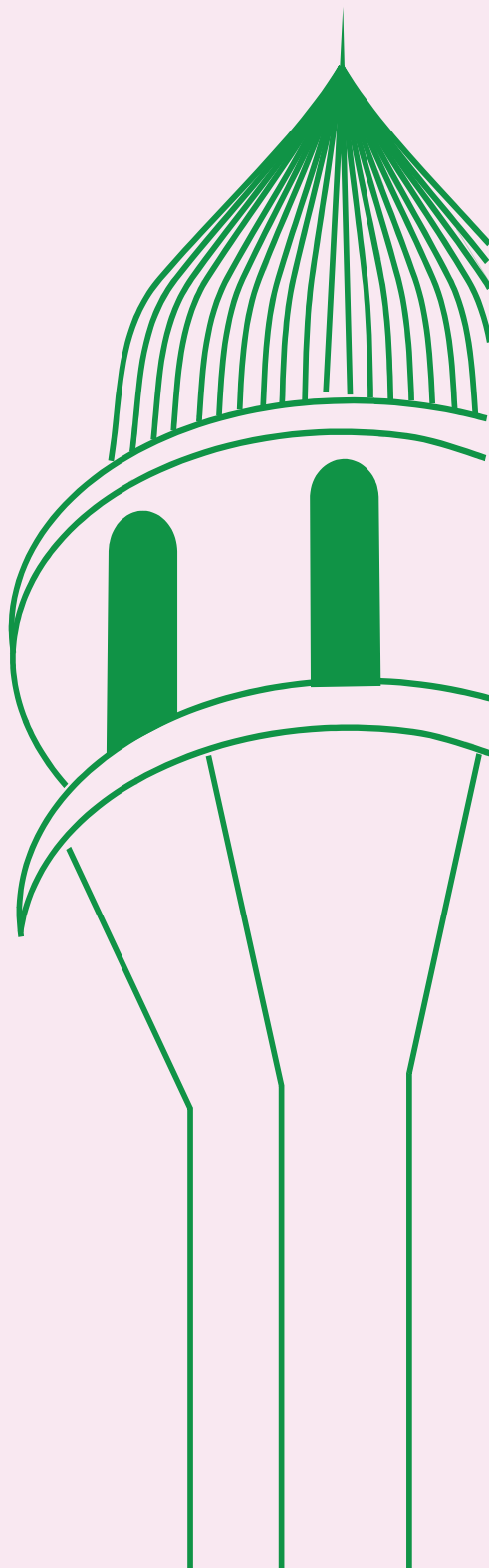




جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

اخلاق و آداب اسلامی

صنف هفتم
(برای مدارس دینی)



اخلاق و آداب اسلامی

صنف هفتم

کتاب درسی مربوط وزارت معارف بوده، خرید و فروش آن
ممنوع است.

curriculum@moe.gov.af



جمهوری اسلامی افغانستان
وزارت معارف
ریاست عمومی انکشاف نصاب تعلیمی

آداب و اخلاق اسلامی

صنف هفتم

(برای مدارس دینی)

سال چاپ: ۱۳۹۸ هـ ش.





مؤلفان:

- دكتور شير على ظريفى
- دكتور عنایت الله خليل هدف
- محمد محقق

ايدیت علمی

- دكتور عبدالصبور فخرى
- دكتور فضل الهادى وزين
- رقيب الله ابراهيمى

ايدیت زبانی

- عبدالحميد عاطف

کمیته دینی، سیاسی و فرهنگی:

- دكتور شير على ظريفى
- سعيد الرحمن حامد

إشراف:

- دكتور شير على ظريفى رئيس پروژه انكشاف نصاب تعليمى.





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ





سرود ملی

دا وطن افغانستان دی	دا عزت د هر افغان دی
کور د سولې کور د تورې	هر بچی یې قهرمان دی
دا وطن د ټولو کور دی	د بلوڅو د ازبکو
د پښتون او هزاره وو	د ترکمنو د تاجکو
ورسره عرب، گوجر دي	پامیریان، نورستانیان
براهوي دي، قزلباش دي	هم ایماق، هم پشه بان
دا هیواد به تل ځلېږي	لکه لمر پر شنه اسمان
په سینه کې د اسیا به	لکه زړه وي جاویدان
نوم د حق مو دی رهبر	وايو الله اکبر وایو الله اکبر





بسم الله الرحمن الرحيم

پیام وزیر معارف

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على رسوله محمد وعلى آله وأصحابه أجمعين، أما بعد: نصاب تعلیمی معارف اساس نظام تعلیم و تربیه را تشکیل داده و در رشد و توسعه علمی، فکری و سلوکی نسلهای امروز و فردای کشور نقش بنیادی و سرنوشت ساز دارد.

نصاب تعلیمی با گذشت زمان و تحول و پیشرفت در عرصه‌های مختلف زندگی، مطابق با نیازهای جامعه، باید هم از نظر مضمون و محتوا و هم از نظر شیوه و روش عرضه معلومات، تطور و انکشاف نماید.

یکی از عرصه‌های نصاب تعلیمی که مورد توجه جدی برای تجدید نظر و بهبود می‌باشد، نصاب تعلیمات اسلامی است؛ زیرا از یک جانب، فارغان مدارس دینی به حیث پیشوایان معنوی جامعه، باید محور تلاشهای معارف قرار گیرند و از سوی دیگر نصاب تعلیمات اسلامی شامل عقاید، احکام و هدایات دین مبین اسلام است که به حیث نظام و قانون مکمل، تمام ابعاد زندگی انسان‌ها را در بر گرفته و به عنوان آخرین پیام خالق و پروردگار جهان تا روز قیامت، رسالت رهنمایی و هدایت بشریت را انجام می‌دهد.

علمای امت اسلامی در طول تاریخ نقش مهمی را در ایجاد، توسعه و غنای سیستم تعلیمات و معارف اسلامی مخصوصاً انکشاف تدریجی نصاب تعلیمی مراکز و مؤسسات علمی جهان اسلام، ایفاء کرده اند. مطالعه دقیق در سیر تطور تاریخی علوم و معارف اسلامی در جهان نشان می‌دهد که نصاب تعلیمی مدارس و مراکز علمی ما، همواره بنا بر ضرورت‌های جامعه و در تطابق با احکام ثابت و پا بر جای دین اسلام، که برای همه انسانها در همه زمانها و مکانها می‌باشد، توسعه یافته است.

کشور عزیز ما افغانستان با سابقه درخشان علمی، روزگاری مهد علم و دانش و جایگاه بزرگترین مراکز علمی عصر بوده و در شکل گیری تمدن بزرگ اسلامی نقش عظیمی داشته است، وجود هزاران دانشمند و عالم در عرصه‌های مختلف علم و فرهنگ مخصوصاً در علوم شرعی مانند عقاید، تفسیر، حدیث، فقه، اصول فقه و غیره، گواه واضح آنچه گفته شد می‌باشد.

همزمان با رشد بیداری اسلامی در عصر حاضر، تعلیمات اسلامی در کشور ما شاهد تحول کمی و کیفی بوده و اطفال و جوانان کشور ما با شوق و رغبت فراوان به طرف مدارس و مراکز تعلیمات اسلامی رو می‌آورند. وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان بر اساس مسؤولیت و رسالت خویش، در مطابقت با احکام قانون اساسی کشور، به منظور رشد و توسعه کمی و کیفی تعلیمات اسلامی و از جمله نصاب آن، اقدامات قابل توجه نموده است.

درین راستا وزارت معارف با دعوت از علماء، استادان و متخصصین باتجربه و قابل اعتماد کشور، به بهبود و انکشاف نصاب تعلیمی پرداخته و کتابهای رایج مدارس تعلیمات اسلامی را با شرح و توضیح متون، جا بجا ساختن فعالیتها، ارزیابی و تمرینها با معیارهای کتب درسی عیار ساخت.

امیدوارم این تلاشهای قابل تمجید علماء و متخصصان وزارت معارف، در بهبود و انکشاف هر چه بیشتر تعلیمات اسلامی در افغانستان عزیز مفید واقع شده و سبب کسب رضای خداوند متعال قرار گیرد.

وبالله التوفیق

دکتور محمد میرویس بلخی

وزیر معارف





پیشگفتار

معلمان محترم و شاگردان گرامی!

علمای اسلام، تعلیمات و آموزه‌های دین را به سه بخش: عقاید، احکام و اخلاق تقسیم نموده اند، علم عقاید باورها را در مورد خالق - جل جلاله - و مخلوق راست می‌سازد، علم احکام کردار و گفتار را استقامت می‌بخشد و علم اخلاق صفات معنوی انسانها را به سوی کمال راهنمایی می‌کند.

از آنجاییکه علم اخلاق با اوصاف معنوی افراد جامعه بشری سروکار دارد، از ایجاد توانایی‌های معنوی مطلوب و محو کردن اخلاق سوء بحث می‌کند، پس پیشرفت مادی و رفاه اجتماعی جوامع بشری تا حد زیادی به کیفیت ارزشهای اخلاقی در افراد آن ارتباط دارد.

و چون معیار مؤثریت و قابلیت فرد در گرو خصلتهای معنوی وی می‌باشد؛ ازینرو، اخلاق خوب از دیدگاه اسلام معیار نیکی و ارزش انسان شمرده شده است پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: (إن خياركم أحاسنكم أخلاقاً) بدون شک، بهترین شما، خوش اخلاق ترین شما است.

پس این نیاز مبرم ماست تا فضایل و ارزشهای اخلاقی در جامعه ترویج و انکشاف یابد و با فراگرفتن هدایات قرآن و سنت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم و اطلاع از عملکرد و اقوال علماء و پیشوایان اسلام، دانش آموزان مدارس دینی با علم اخلاق مزین گردند، خود به آن عمل نمایند و این مشعل فروزان را به هر کنج و کنار و هر خانواده برسانند، تا آنکه به زخمها و رنجهای فراوان فردی و خانوادگی جامعه ما التیام بخشیده شود.

بنا بر این جایگاه و ارزش مهم اخلاق، ریاست انکشاف نصاب تعلیمی وزارت معارف جمهوری اسلامی افغانستان، در بخش نصاب مدارس دینی، مضمون اخلاق را در دو صنف (هفتم و هشتم) مقرر نموده و مفردات آنرا طوری عیار ساخته تا موضوعات عمده اخلاق اسلامی را با در نظر داشت اولویتها و تسلسل منطقی و سطح استعداد و توانایی‌های شاگردان در بر گیرد. در عین حال تألیف کتابهای اخلاق با روش ساده و مؤثر صورت گرفته تا به توفیق خداوند ﷻ خواندن این کتابها نه تنها برای شاگردان مدارس دینی؛ بلکه برای هر خواننده سود مند و قابل عمل واقع گردد و در شخصیت و ظرفیت وی دگرگونی مثبت ایجاد نماید.

وما ذلک علی الله بعزیز.





فهرست عناوین

شماره	عنوان	صفحه	شماره	عنوان	صفحه
۱	شناخت اخلاق	۱	۲۰	دوست و همنشین صالح	۵۷
۲	چرا اخلاق می آموزیم؟	۳	۲۱	فواید همنشین خوب	۵۹
۳	ارکان اخلاق	۷	۲۲	نیکی به پدر و مادر	۶۱
۴	انواع اخلاق	۱۱	۲۳	صله رحم	۶۵
۵	نشانه های اخلاق نیکو	۱۳	۲۴	آداب فراگیری علم	۶۹
۶	خصوصیت های اخلاقی	۱۵	۲۵	آداب فراگیری علم (۲)	۷۳
۷	جایگاه اخلاق در اسلام	۱۷	۲۶	صدق و راستی	۷۶
۸	تأثیر اخلاق در زنده گی	۲۰	۲۷	اجتناب از دروغ	۸۰
۹	نتایج اخلاق نیک	۲۲	۲۸	شتافتن به خوبیها	۸۳
۱۰	اسباب و عواقب اخلاق	۲۵	۲۹	رقابت نمودن در خوبیها	۸۶
	زشت		۳۰	امانت در اسلام	۹۰
۱۱	اخلاق نیک پاکی قلب است	۲۹	۳۱	ترحم و مهربانی	۹۴
۱۲	ارتباط اخلاق با ایمان و عبادت	۳۱	۳۲	کرم و سخاوت	۹۸
۱۳	کسب اخلاق نیکو	۳۵			
۱۴	ارزش اخلاق نیک	۳۷			
۱۵	اخلاق پیامبر اسلام	۴۱			
۱۶	آداب سخن گفتن (۱)	۴۵			
۱۷	آداب سخن گفتن (۲)	۴۸			
۱۸	حلم در اسلام	۵۱			
۱۹	نمونه هایی از حلم پیامبر ﷺ	۵۴			





شناخت اخلاق

اخلاق چه را می‌گویند؟ آیا اخلاق خوب و اخلاق بد وجود دارد؟ اگر وجود دارد چگونه میان هر دو فرق نماییم؟ دین مقدس اسلام اخلاق را چگونه می‌بیند؟ در دین مقدس اسلام سه قسم رهنمود وجود دارد که عبارت اند از عقاید، احکام و اخلاق. عقاید باورهای انسان را درست می‌سازد، احکام کردارهای انسان را تنظیم می‌کند و اخلاق از طبیعت و سلوک خوب و بد انسان بحث می‌کند.

تعریف اخلاق

اخلاق کلمه عربی است که به خوی، رویه و طبیعت اطلاق می‌شود. مفرد آن (خُلُق) است. خُلُق (به ضم خا) از حالت باطنی انسان تعبیر می‌کند و خُلُق (به فتح خا و سکون لام) به درست بودن شکل ظاهری انسان دلالت دارد. برای اخلاق، تعریف‌های زیادی صورت گرفته که ما در اینجا به یک تعریف آن اشاره می‌نماییم:

اخلاق صفت فطری و کسبی مستقر در نفس است که دارای آثار و نتایج پسندیده و یا ناپسند در سلوک انسان بوده باشد.

اخلاق خوب و اخلاق بد

هرگاه خوی و طبیعت کسی چنین باشد که از وی افعال خوب صادر شود، آن را اخلاق خوب می‌گویند و اگر از کسی اعمال و تصرفات بد صادر گردد، آن را اخلاق بد می‌نامند. نیکی و همکاری با دیگران، برخورد خوب با همسایگان، مهمان نوازی، سلام گفتن، عیادت بیماران، حاضر شدن به جنازهٔ مسلمان، احترام به بزرگان، ترحم و شفقت به خورده سالان، راستگویی، سخاوت، عفو و بخشش و این قبیل چیزها از جملهٔ اخلاق نیک می‌باشند. اما دروغ‌گویی، بخل ورزیدن، تجاوز به حقوق دیگران، فریب و نیرنگ، سخن چینی، قطع صلّه





رحم، بد زبانی، حسد ورزیدن، تکبر نمودن و امثال آن از جمله اخلاق بد بشمار می‌رود. از لابلای آنچه گفته شد چنین نتیجه می‌گیریم که اخلاق نیک زیور انسان است؛ در دنیا خوشحالی و در آخرت کامیابی بار می‌آورد. در مقابل آن، اخلاق بد رنجی است که همیشه صاحب خود را تکلیف و عذاب داده و سبب مشکلات برای دیگران نیز می‌گردد.



فعالیت

شاگردان پنج نمونه اخلاق خوب و بد را نام بگیرند.

خلاصه:

- اخلاق یکی از رهنمودهای سه گانه (عقاید، اخلاق، احکام) دین اسلام است.
- اخلاق تنظیم کننده سلوک و تعبیر حالت ظاهری و باطنی انسان است.
- اخلاق خوب زیور انسان و اخلاق بد سبب رنج و عذاب دایمی انسان می‌باشد.

ارزیابی

۱. معنای کلمه اخلاق را توضیح دهید.
۲. فرق میان خَلَق (به فتح خا) و خُلِق (به ضم خا) چیست؟
۳. اخلاق را تعریف نمایید؟
۴. اخلاق خوب و بد با چه چیزهایی شناخته می‌شود؟
۵. چند نمونه از اخلاق خوب و اخلاق بد را نام بگیرید؟
۶. اخلاق خوب و اخلاق بد در زندگی انسان چه تأثیر دارند؟



کارخانه گوی

در باره اخلاق خوب یک مقاله بنویسید که از هفت سطر کم نباشد.





چرا اخلاق می آموزیم؟

وقتی یک انسان عاقل و خردمند، به انجام کاری اقدام می نماید، در نخستین وهله، این سوال در ذهنش خطور می کند که: چرا باید این کار را انجام دهد؟ و برایش چه فوایدی در پی دارد؟

حالا که ما می خواهیم علم اخلاق را بیاموزیم، با این سوالها مواجه می شویم که چرا باید علم اخلاق را بیاموزیم؟ دانستن و آراستن بر آن در زنده گی دنیوی و اخروی ما چه نفعی در پی خواهد داشت؟

از خلال این درس سعی می شود به این سؤالاها پاسخ ارایه گردد و در مورد اهداف آموختن اخلاق اطلاع حاصل شود.

اهداف آموزش اخلاق

اهداف آموزش اخلاق را در نکات ذیل خلاصه می نماییم:

۱. اخلاق نیکو هدف و غایت بعثت پیامبر ﷺ است

نخستین هدف ما از مطالعه و آموزش اخلاق، آن است که اخلاق نیکو در جامعه ترویج یابد؛ زیرا که نشر اخلاق نیکو و برچیدن بساط اخلاق زشت، هدف و غایت بعثت پیامبر بزرگ اسلام ﷺ می باشد. چنانچه آن حضرت خود فرموده است: **(إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)**^(۱)

ترجمه: یقیناً من، جهت تکمیل نمودن بنای اخلاق نیکو مبعوث شده ام. رابطه میان بعثت پیامبر و اخلاق چیست؟ از این حدیث شریف، چنین بر می آید که هدف بعثت پیامبر اسلام کمال و استواری برتری های اخلاقی بوده است. به تأیید این

۱ - السنن الکبری للبیهقی.





مطلب خداوند ﷻ پیامبرش را مخاطب قرار داده فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]

ترجمه: و تو را جز رحمتی برای جهانیان نفرستادیم.

در جای دیگری از قرآن کریم اخلاق ایشان را ستوده فرموده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [القلم: ۴]

ترجمه: و تو دارای اخلاقی بزرگ هستی.

نگاه کنید، در جامعه ای که غش و خیانت، خدعه و فریب، ضایع کردن امانت، فحشاء و منکر وامثال آن وجود داشته باشد، چنین جامعه ای را از رحمت خالی می بینیم و همچنان خانواده ای که در میان افراد آن بدبینی و کراهیت و حسد و جنجال موجود باشد از رحمت محروم است. و پیامبر ﷺ برای این آمد تا بساط عادات زشت را از میان جوامع انسانی بر چیند و به عوض آن عادات نیکو را ترویج کند، پس در چنین حالی می توان رابطه میان حدیث و آیت فوق را به خوبی درک نمود.

۲. از بین بردن جدایی میان اخلاق و عبادات

یکی از اهداف اخلاق آن است که جدایی و بیگانگی اخلاق و عبادات که دو رکن مهم خودسازی است برداشته، که انسان عابد بدون داشتن اخلاق اسلامی و درست کامل نبوده، همچنان که اخلاق بدون عبادت ناقص است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده است: (أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ خُلُقًا).

ترجمه: کامل ترین مؤمنان از جهت ایمان کسی است که دارای خلق نیکو باشد. اسلام با جدایی اخلاق و عبادت مخالف است؛ زیرا که اسلام به سان یک جسم کامل بوده و تجزیه پذیر نیست. آنانی که با عبادت و نماز خود مردم را به شگفتی و اعجاب و میدارند و در میدان اخلاق بدترین رفتار را با مردم نشان می دهند، در واقع اسلام را درست نفهمیده اند و در درک روح این دین سخت به خطا رفته اند. هدف اسلام آن است تا انسانهایی بسازد که از اخلاق نیکو و رفتار والا در کنار عبادت خاشعانه برخوردار باشند. به خاطر همین مطلب است که پیامبر بزرگ اسلام، انسانهایی را که اخلاق نیکو نداشته و با همسایگان خود خوش رفتار نیستند از نعمت ایمان محروم می داند. چنانچه





فرموده است: (وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ وَاللَّهُ لَا يُؤْمِنُ قِيلَ: مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ: الَّذِي لَا يَأْمَنُ جَارُهُ بَوَائِقِهِ)^(۱).

ترجمه: به خدا سوگند که ایماندار نمی‌شود، به خدا سوگند که ایماندار نمی‌شود، به خدا سوگند که ایماندار نمی‌شود، گفته شد: کی ای رسول خدا! فرمود: کسی که همسایه او از آزار هایش در امان نباشد.

۳. عملی کردن مبادی اخلاقی

قبل از همه مبادی اخلاق را بیان می‌نماییم:

یکی دیگر از اهداف آموزش اخلاق، آن است که مبادی اخلاقی را بیاموزیم تا آن را در زنده‌گی شخصی، خانواده‌گی و اجتماعی خویش تطبیق نماییم و از جمله مردمی نباشیم که صرف حرف می‌زنند و شعار می‌دهند ولی گفته‌های آنان در زنده‌گی شان جامه عمل نمی‌پوشد. یکی از علمای اسلام گفته است: «هر اندازه که دل تان می‌خواهد علم فرا گیرید و به آموزه‌های خود بیفزایید، اشکالی ندارد؛ ولی این نکته را به یاد داشته باشید که شما به خاطر آموزش تان پاداش نمی‌گیرید بلکه آن گاه پاداش می‌گیرید که به آنچه می‌آموزید عمل نمایید». خداوند متعال فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾. [سوره صف: ۲-۳].

ترجمه: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی می‌گویید که انجام نمی‌دهید؛ نزد خدا سخت ناپسند است که چیزی را بگویید و انجام ندهید»

۴. عدم ایجاد شک و تردید در مردم

یکی از اهداف آموزش اخلاق این است که مردم را در شک و تردید قرار ندهیم، با این توضیح که: اسلام دین عمل و رفتار است، چنانچه خداوند عزوجل در سوره مبارکه صف می‌فرماید: ﴿لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ [الصف: ۲]

ترجمه: چیزی را که مورد عمل قرار نمی‌دهید چرا می‌گویید؟ بر این اساس آموزه‌های دینی در تمام عرصه‌ها عمل را می‌طلبد، به خصوص آنهایی که داعیه دین داری ایشان





بیش از همه است. اگر چنانچه گفتار آنان را کردار شان مورد تأیید قرار ندهد، بقیه مردم در تردید می افتند.

ارزیابی:

۱. برای این که آموزش اخلاق هدف بعثت پیامبر ﷺ بوده است، دلیل بیاورید.
۲. چگونه اسلام مشکل جدایی میان اخلاق و عبادات را معالجه می نماید؟
۳. آیا اخلاق اسلامی فقط برای شناخت و دانستن آن است یا برای عملی کردن و تطبیق آن نیز؟ در این مورد از قرآن کریم دلیل بیاورید.
۴. چگونه انسان می تواند با التزام خود به شعایر تعبدی باعث فتنه و شک در دیگران نشود؟

کارخانه گی

شماری از فضایل اخلاقی را در کتابچه خود یاد داشت نمایید و آن را در صنف با شاگردان دیگر مورد بحث قرار دهید.





ارکان اخلاق

آیا اخلاق و آداب اسلامی با آداب و اخلاق در ادیان دیگر و مدنیت‌های وضعی یکسان است و یا فرق دارد؟ پایه‌ها و ارکان اخلاق در اسلام چگونه است؟ در این درس با اساسات و ارکان اخلاق اسلامی آشنا می‌شویم.

پایه‌های اخلاق در اسلام

آداب و اخلاق در دین مقدس اسلام بر چهار پایه استوار است که اخلاق و آداب یک مسلمان از این چهار اصل سر چشمه می‌گیرد و فرد مسلمان سلوک خود را بر اساس آن عیار می‌سازد:

اساس اعتقادی و ایمانی: دین مقدس اسلام عقیده و ایمان را اولین تهداب و اساس اخلاق می‌داند که همه رفتارهای معنوی و ظاهری یک فرد مسلمان از آن نشأت می‌کند؛ به این معنی که اخلاق مسلمان جزء عقیده و ایمان مسلمان است. "عقیده بدون اخلاق مانند درختی است که سایه و میوه نداشته باشد، و اخلاق بدون عقیده مانند سایه‌ای یک موجود بی ثبات است". پس عقیده و ایمان در توجیه و رهبری اخلاق مسلمان تأثیر اساسی دارد.



فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم محترم پیرامون نقش عقیده و ایمان در توجیه و رهبری اخلاق گفتگو و ابراز نظر نمایند.

اساس علمی: علم رکن و تهداب دومی آداب و اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهد؛ زیرا که علم همدریف ایمان است و هیچوقت با ارزشهای اخلاقی صحیح تناقض ندارد. از





جانب دیگر هرگاه علم و تکنالوژی توسط ارزشهای اخلاقی توجیه نگردد، بسا اوقات به ضرر بشریت تمام می‌شود. اگر ما به علوم مختلف از قبیل علم طب، کیمیا، فیزیک، اقتصاد، سیاست و غیره نظر نماییم می‌بینیم که هر یکی از این علوم به اصول و مبادی اخلاقی ضرورت دارند و بدون مراعات ارزشهای اخلاقی هیچ یکی از این علوم نمیتوانند برای انسان خدمت واقعی نمایند.



فعالیت

چگونه علم و تکنالوژی بدون اخلاق سبب تباهی میگردد؟ آیا میتوانید در این مورد مثالی بیاورید.

اساس مکافات و مجازات:

دین مقدس اسلام ارزشهای اخلاقی را بی فائده نمیداند؛ بلکه برای انسان دارای اخلاق نیکو در دنیا پاداش، و در آخرت اجر و ثواب قایل میشود. چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید: "در روز قیامت هیچ چیزی سنگین تر از اخلاق نیکو در ترازوی اعمال مؤمن نیست." و در مقابل برای انسان فاقد ارزشهای اخلاقی هم در دنیا و هم در آخرت مجازات مقرر نموده است؛ زیرا که اسلام خوبی و بدی، پاکی و پلیدی را یکسان نمیداند؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ﴾ [فصلت: ۳۴]

ترجمه: هرگز نیکی و بدی یکسان نیست.

همچنان می‌فرماید: ﴿قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ﴾ [المائدة: ۱۰۰]

ترجمه: بگو (هیچ گاه) نا پاک و پاک مساوی نیستند.

همچنان پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: (مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا)^(۱) یعنی: کسی که فریبکاری نماید از امت ما نیست.

اساس نفسی و انسانی:

ارزشهای اخلاقی مانند دیگر غرایز انسانی در نهاد هر شخص نهفته است، اما اسلام

۱- روایت مسلم





این غرایز را بطرف مثبت و معقول توجیه و هدایت می‌کند تا از افراط و تفریط جلوگیری بعمل آید؛ مثلاً: خوردن و نوشیدن برای هر انسان یک غریزه حیاتی؛ ولی در عین حال نحوه خوردن و نوشیدن یک ارزش اخلاقی است. حالا اگر غریزه خوردن و نوشیدن بصورت معتدل و معقول اشباع نشود هم به خود انسان و هم به دیگران ضرر می‌رساند؛ بناءً نظام اخلاقی اسلام آداب و مقررات زیادی را در قسمت اشباع و توجیه غریزه خوردن و نوشیدن وضع نموده تا از اثرات منفی آن جلوگیری شود؛ مثلاً قرآن کریم در این مورد از اسراف منع نموده و چنین توجیه می‌نماید: ﴿وَكُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾ [الأعراف: ۳۱]

یعنی: و (از نعمتهای الهی) بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید که یقیناً او (خداوند متعال) اسراف گران را دوست نمی‌دارد.

به همین قسم هرگاه سایر ارزشهای اخلاقی را مورد مطالعه قرار بدهیم، در میابیم که تعلیمات اسلامی برای هر یکی از این ارزشها توجیهات و رهنمودهای معینی وضع نموده تا در جهت معقول و مفید رهنمایی و از آن استفاده بعمل آید و از افراط و تفریط و ضررهای آن بخود و دیگران اجتناب شود.

خلاصه

- آداب و اخلاق اسلامی بر چهار اصل و اساس استوار است که ارزشهای اخلاقی از آن سرچشمه می‌گیرند.
- ارکان و پایه‌های چهار گانه اخلاق اسلامی عبارت اند از: اساس اعتقادی، اساس علمی، اساس مکافات و مجازات و اساس نفسی و انسانی.
- آداب و اخلاق اسلامی با داشتن این اصول و اساسات از اخلاق در ادیان و مکاتب غیر اسلامی فرق پیدا می‌کند.

ارزیابی

۱. اخلاق اسلامی از کدام ارکان و اساسات سرچشمه می‌گیرد؟





۲. در مقابل کسانی که می‌گویند: ما در عصر علم و تکنالوژی زندگی میکنیم و به اخلاق ضرورت نیست، چگونه استدلال می‌نمایید؟

۳. اگر غرایز انسانی بدون ارزشهای اخلاقی اشباع شود چه اثراتی را بار می‌آورد؟ چند مثال ذکر نمایید.

۴. جملات زیر را تکمیل نمایید:

الف) عقیده بدون اخلاق مانند درخت.....

ب) اخلاق بدون عقیده مانند سایه یک جسم.....



راجع به مفهوم اخلاقی حدیث نبوی «مَنْ غَشَّنَا فَلَيْسَ مِنَّا» یک مقاله بنویسید که از چهار سطر کمتر نباشد.





انواع اخلاق

اخلاق به دو دسته تقسیم می‌شود، اخلاق نیک و پسندیده و اخلاق زشت و ناپسند. این تقسیم بندی بنا بر اوصاف ثابت خوب یا بد، که اخلاق به آن ارتباط دارد، می‌باشد، از همین رو می‌توان شخصی را به داشتن اخلاق نیک یا بد، توصیف کرد، در بسیاری از کتب علم اخلاق آن را بنام فضایل و رذایل یاد کرده اند:

اول: اخلاق نیک و پسندیده

اخلاق نیک عبارت از استعدادهاى معنوی راسخی است که تمام افعال و سلوک شایسته انسان، به سهولت و آسانی از آن صادر می‌گردد، که این روش ها، موافق با موازین عقلی و دینی، و مطابق با آنچه به نام اخلاق فاضله یاد می‌شود، می‌باشد. اخلاق پسندیده، به صورت قطع یکی از مباحث علم اخلاق به شمار می‌رود و به دست آوردن آن، از جمله اهداف نهایی در نزد هر انسانی است که، در شاهراه اخلاق شایسته گام بر داشته است.

دوم: اخلاق زشت و ناپسند

اخلاق ناپسند، عبارت از اوصاف بدی است که به شکل افعال از انسان، صادر می‌شوند، و این افعال با معیارهای شرع مقدس و عقل سالم تطابق ندارند، و در علم اخلاق، به نام رذایل یاد می‌شوند.

نمونه هایی از اخلاق نیک و بد:

اخلاق شایسته و پسندیده		اخلاق زشت و ناپسند	
احسان	صبر	پيروي از شهوتها	غرور
استقامت	صداقت و راستگویی	خود پسندی	خشم و غضب
اصلاح در بین مردم	عفت و پاکدامنی	خود بینی	غفلت و بی خبری





اخلاق شایسته و پسندیده		اخلاق زشت و ناپسند	
اعتدال و میانه روی	عفو و گذشت	گوش فراگرفتن مخفیانه	ترس و بزدلی
اعراض از کارهای بیهوده	نگهداری چشم و شرمگاه	استکبار	تحقیر دیگران
ایثار	انجام کارهای پسندیده	اسراف	حسد
بشاش بودن	اکرام و احترام مهمان	فضول بودن	خبث
تواضع	نظافت و پاکیزگی	افترا و بهتان	خیانت
حکمت	وفا به عهد	ظلم و فساد	غیبت
جواب بدی به نیکی	شفقت بر خوردان	بخل	فسق و فجور
رحمت	احترام به بزرگان	بغض و کینه	تکبر
آرامش روحی	اعتدال در گفتار و کردار	انجام اعمال زشت	کذب
سلامت قلب	سخن نیک	دشنام دادن	کفران نعمت
رفتار نیک	فرو بردن خشم	لقب بد دادن	حق ناپذیری
رعایت حقوق همسایه ها	شتاب در انجام کارهای نیک	تجسس	عهد شکنی
شکر	نیکی با پدر و مادر	اشاعه اخبار دروغین	ریا و خود نمایی
محبت با صحابه کرام	نیکی با استادان	لهو و لعب	تمسخر و استهزا
سبقت در سلام دان	عیادت مریض	ناسزا گفتن	بد گمانی
نیکی با همسر و اولاد	قناعت داشتن	عیبجویی	حرص و طمع

ارزیابی

۱. اخلاق به طور عموم به چند نوع تقسیم می‌گردد؟
۲. اخلاق نیک را در علم اخلاق چه می‌نامند؟
۳. اخلاق زشت در علم اخلاق چه نام دارد؟
۴. برای اثبات اخلاق نیک از قرآن کریم یک مثال ذکر نمایید.
۵. هدف از بعثت پیامبر ﷺ چه بوده است؟
۶. برای هر یک از اخلاق نیک و زشت پنج پنج مثال ذکر کنید.



نشانه‌های اخلاق نیکو

اخلاق نیک نشانه ایمان و از جمله کمالات انسانی است، چگونه انسان می‌تواند خویشتن را با زیور اخلاق عالی مزین بسازد و در میان مردم محبوبیت کسب نماید؟ اوصاف و مشخصات اخلاق نیک کدام است؟

چگونه اخلاق نیک را بشناسیم؟

اوصاف و معیارهای اخلاق نیک عموماً در محور خیر رساندن و نیکی کردن به دیگران می‌چرخد. از نگاه اسلام کمک به هم‌نوعان و برطرف نمودن مشکل حاجتمندان اجر و ثواب عظیم دارد و در پیشگاه خداوند متعال عبادت شمرده می‌شود.

روحیه خیر خواهی و همکاری با اشخاص محتاج و ضعیف، تعاون و تکافل اجتماعی را بار می‌آورد و محبت و صمیمیت میان افراد جامعه را تقویت مینماید و سبب تحکیم وحدت ملی و رشد مادی و معنوی جامعه اسلامی میگردد؛ البته در این مورد روایات زیادی آمده است. بطور نمونه ذیلاً برخی از این روایات را ذکر می‌نماییم:

پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: **(لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ)**^(۱).

ترجمه: "هیچ یکی از شما مؤمن کامل شمرده نمی‌شود تا آنکه دوست بدارد برای برادرش آنچه را که برای خودش دوست میدارد".

همچنان در حدیث دیگری آمده است: **(خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ)**^(۲).

ترجمه: بهترین مردم کسی است که به دیگران نفع برساند.



فعالیت

چگونه می‌توانید به یک برادر مسلمان تان خیر اندیش باشید و به او کمک نمایید؟ هر

۱- متفق علیه.

۲- مسند الشهاب.



شاگرد این موضوع را ضمن یک مثال در کتابچه خود بنویسد. اخلاق اسلامی گفتار، کردار و همه جنبه‌های زندگی انسان را شامل می‌شود؛ پیشانی باز، سخن خوب، صبر و تحمل، خدمت به دیگران و کمک به بیچارگان از نشانه‌های اخلاق پسندیده است.

خلاصه

اوصاف و نشانه‌های اخلاق نیک را چنین خلاصه می‌توان کرد: شخص با اخلاق انسان با حیا، بی آزار، صالح، راستگو، کم سخن، پرعمل و کم لغزش است. انسان نیکوکار، با وقار، صابر، شاکر، راضی، با حکمت، نرم خو و پاک طینت است. انسان دارای اخلاق نیک لعنت نمی‌کند، دشنام نمی‌دهد، سخن چینی نمی‌کند، غیبت نمی‌گوید، عجله نمی‌کند، کینه توزی ندارد، بخل و حسد نمی‌ورزد. انسان با اخلاق خوش خو و آسان گیر است، بخاطر خدا دوستی میکند و بخاطر خدا دشمنی می‌ورزد، برای خدا حلم می‌ورزد و در راه خدا خشم می‌گیرد. این است اخلاق نیکو و پسندیده.

ارزیابی

۱. اوصاف و معیارهای اخلاق نیک را توضیح دهید؟
۲. گرد جواب صحیح خط بکشید: در دین مقدس اسلام کمک به دیگران:
 - ا. ضروری نیست.
 - ب. یک وجیهه اخلاقی است.
 - ج. برای بدست آوردن منافع مادی است.
 ۳. اگر همسایه به شما ضرر برساند، بر اساس اخلاق اسلامی برخورد شما در برابر وی چگونه باید باشد:
 - ا. شما هم به او ضرر برسانید.
 - ب. شما با وی نیکی کنید.



در باره حقوق همسایه یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





خصوصیت‌های اخلاقی

چه وقت یک خوی و عادت را می‌توان اخلاق نامید؟ صفات و خصوصیت‌های اخلاقی با شروط و ویژه گی‌هایی شناخته می‌شود که در این درس به برخی از این خصوصیت‌ها اشاره می‌نماییم:

خصوصیت اول

وقتی می‌توان یک صفت و یا خوی را خلق و یا اخلاق نامید که با تکرار زیاد در طبع انسان استقرار یافته و به عادت تبدیل گردیده باشد. بنا بران هرگاه شخصی یک یا دو بار به کسی کمک و مساعدت نماید، به او سخی گفته نمی‌شود تا آنکه این صفت در وی تکرار و آزمایش گردیده و به عادت طبیعی مبدل گردد.



فعالیت

محمد در خانواده اش با اخلاق راستگویی شهرت دارد، اما او یک روز پیاله را شکستاند، بخاطر ترس از پدرش گفت: من پیاله را نشکسته ام، آیا وی با گفتن چنین کلمه ای انسان دروغگو شناخته می‌شود؟ شاگردان توضیح بدهند.

خصوصیت دوم

خصوصیت دیگر اخلاقی آن است که عمل اخلاقی به آسانی و بدون تکلف از انسان صادر شود، بنا بر آن اگر انسان ظالمی، یک وقت با تکلف و سختی بر کسی رحم نماید، نمی‌توان وی را انسان مهربان و دلسوز گفت؛ زیرا وی با تکلف از ظلم خود داری نموده، و تا زمانی که با سهولت و بصورت طبیعی به دلسوزی عادت نوزد، به وی انسان مهربان گفته نمی‌شود.





خصوصیت سوم

ارادهٔ انسان باید در انجام عمل اخلاقی دخالت داشته باشد. حالات نفسی که از ارادهٔ انسان خارج باشد و انسان در ساختن آن دست نداشته باشد، مانند ذکاوت و داشتن ذهن خوب و امثال آن صفات اخلاقی گفته نمی‌شوند؛ زیرا در چنین صفاتی ارادهٔ انسان دخالت ندارد و با داشتن آن کسی را نمی‌توان انسان با اخلاق و یا بد اخلاق نامید.



فعالیت

شاگردان با رهنمایی استاد محترم در بارهٔ صفات و خصلتهایی که به آن اخلاق (پسندیده و یا نا پسند) گفته می‌شود، صفات و خصلتهایی که به آن اخلاق گفته نمی‌شود بحث و گفتگو نمایند.

خلاصه

- خصوصیت‌های اخلاقی با دیگر صفات و خصوصیت‌های انسان فرق دارد.
- صفات اخلاقی با سه خصوصیت اساسی از دیگر صفات انسان متمایز می‌گردد.
- ویژگیها و خصوصیات مهم اخلاقی عبارت اند از: تکرار و ترسیخ صفت اخلاقی در نفس، سهولت و طبیعی بودن صفت اخلاقی، دخیل بودن اراده و اثر گزاری انسان در عمل اخلاقی.

ارزیابی

۱. صفات اخلاقی با سه ویژه گی یا خصوصیت از دیگر صفات جدا می‌شود، این خصوصیت‌ها را بیان کنید.
۲. یک صفت اخلاقی را با ذکر خصوصیت آن تشریح نمایید؟
۳. یک صفت و یا خصلتی را که به آن صفت اخلاقی گفته نمی‌شود، در روشنایی درس خوانده شده تشریح نمایید.



کارخانه گی

در بارهٔ خصوصیت‌های اخلاقی یک مقاله بنویسید که از چهار سطر کم نباشد.





جایگاه اخلاق در اسلام

تعالیم و رهنمودهای اسلام به بخش‌ها و زمینه‌های مختلف زنده‌گی تعلق دارد. یکی از این بخش‌ها که دارای اهمیت و جایگاه اساسی و بلندی می‌باشد، اخلاق است. اهمیت اخلاق در دین مقدس اسلام به دلایل متعددی ثابت گردیده است که ذیلاً به برخی از این موارد می‌پردازیم:

بعثت پیغمبر برای تکمیل مکارم اخلاق

یکی از اهداف و مقاصد اساسی رسالت پیامبر اسلام ﷺ که او بدان خاطر به پیامبری مبعوث گردید، تقویت و به کمال رساندن مکارم اخلاق بوده است. آن حضرت ﷺ خود فرموده است: **(إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ)**^(۱) یعنی: تنها به این جهت به پیامبری مبعوث شده‌ام که مکارم اخلاق را به پایۀ اکمال برسانم.

اخلاق نیک دیانت است

دینداری مترادف و همسان با داشتن اخلاق نیک و آراسته بودن به سجایای پسندیدهٔ اخلاقی معرفی شده است. چنانکه کسی از پیامبر خدا ﷺ پرسید: دینداری چیست؟ پیامبر ﷺ فرمود: **«حُسْنُ الْخُلُقِ»** یعنی داشتن اخلاق نیک.^(۲)

اخلاق معیار ایمان راستین

نشانه و معیاری که از روی آن می‌توان ایمان راستین و کامل را از ایمان ضعیف باز شناخت اخلاق نیک است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده اند: **(أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا)**^(۳) کامل‌ترین مؤمنان کسانی‌اند که اخلاق بهتر داشته باشند.

۱- مؤطا امام مالک، مسند امام احمد

۲- دیلمی.

۳- المعجم الصغير للطبرانی/ ۳۶۲/۱





خداوند ﷻ در کلام خود، پیامبرش را به خاطر داشتن اخلاق نیک مورد ستایش قرار داده است، و این دلیلی است بر این که اخلاق نیک منزلتی بزرگ و ارزشی عالی دارد، چنان که فرموده است: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [سورة القلم، آیت: ۴]
ترجمه: و یقیناً که تو اخلاق عظیم و بر جسته ای داری.

با آن که خداوند ﷻ به خوبی وعظمت اخلاق پیامبر ﷺ گواهی داده و اخلاق وی را ستوده است، با آن هم، آن حضرت ﷺ از خداوند متعال در دعایش خواهان بهتر گردانیدن اخلاق خود گردیده و چنین می فرمود: (اللَّهُمَّ أَحْسَنْتَ خُلُقِي فَأَحْسِنْ خُلُقِي)^(۱)
ترجمه: بار خدایا آفرینش و خلقتم را نیکو گردانیده ای، اخلاقم را نیز نیکو بگردان.

اخلاق خوب بهترین هدیه خداوند است:

بهترین موهبت و بخشش الهی به بندگان، برخورداری آنان از اخلاق نیک است. روایت شده که تعدادی از مردمان بادیه نشین به حضور پیامبر اکرم ﷺ آمدند و از ایشان پرسیدند: "بهترین داده خداوند ﷻ به بنده چیست؟" فرمود: "حسنُ الأخلاق" یعنی: اخلاق نیکو^(۲)

با در نظر داشت نکاتی که در روایات گذشته آمد پی می بریم که یک مومن و مسلمان خوب کسی است که اخلاق خوب داشته باشد و از اخلاق ناپسند دور می نماید.



فعالیت

اگر شما بخواهید خداوند به شما اخلاق نیک ارزانی کند این درخواست را از او تعالی چگونه مطرح می کنید؟ به عبارت خودتان بنویسید.

خلاصه

- در دین مقدس اسلام اخلاق از جایگاه اساسی و بلندی برخوردار است.

۱- مسند احمد

۲- البیهقی





- یکی از مقاصد بعثت پیامبر اسلام تعلیم و گسترش مکارم اخلاق است.
- حسن خلق با دینداری برابر است.
- اخلاق نیکو معیار ایمان راستین و قدر و منزلت انسان است.
- انسان مؤمن باید همیشه از خداوند داشتن اخلاق نیکو را مسئلت نماید.

ارزیابی

- ۱- پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ یکی از اهداف بعثت و رسالت خود را تقویت مکارم اخلاق ذکر نموده است. در این مورد حدیث نبوی را بیان دارید؟
- ۲- میان دینداری و اخلاق نیک چه نسبت و رابطه ای وجود دارد؟ توضیح بدهید.
- ۳- چگونه می توان تفاوت های ایمانی مسلمانان را از هم، شناسایی کرد؟ دلیل بیاورید.
- ۴- کدام صفت پیامبر ﷺ بیشتر مورد ستایش خداوند ﷻ قرار گرفته است؟
- ۵- اگر موهبت ها و بخشش های الهی به بندگان، متفاوت هستند، کدام یک بهترین موهبت است؟ از سیرت پیامبر اسلام راجع به این موضوع استدلال نمایید.

کارخانه گی

سه سطر درباره بهترین موهبت الهی بنویسید.



تأثیر اخلاق در زنده گی

اخلاق در زنده گی انسان تأثیر زیاد دارد؛ همانطور که اخلاق نیک دارای فواید و پیامدهای مثبت در زنده گی انسان است، اخلاق بد هم ضررها و نتایج منفی و زیان آور را برای انسان بار می آورد. در این درس به آثار و نتایج مثبت و منفی اخلاق خوب و بد اشاره می نماییم تا بدین وسیله مفاهیم درس های گذشته نیز در اذهان شاگردان تثبیت گردد.

از پیامبر خدا ﷺ در باره اخلاق نیک سؤال شد، رسول خدا ﷺ این قول خداوند ﷻ را تلاوت نمود: ﴿حُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [الأعراف: ۱۹۹]

ترجمه: با آنها مدارا کن و عذر شان را بپذیر و به نیکی ها دعوت نما و از جاهلان (نادانان) روی بگردان.

در یک روایت پیامبر ﷺ فرمودند: (أَلَا أَدُلُّكُمْ عَلَى خَيْرِ أَخْلَاقٍ أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ؟ مَنْ وَصَلَ مَنْ قَطَعَهُ، وَعَفَا عَمَّنْ ظَلَمَهُ، وَأَعْطَى مَنْ حَرَمَهُ)^(۱)

ترجمه: آیا شما را به بهترین اخلاق اهل دنیا و آخرت رهنمایی ننمایم؟ (بهترین اخلاق از آن کسی است که با مقاطعه کننده رابطه (صله رحم) بر قرار سازد، و آن کسی را که به وی ستم نموده ببخشاید، و به کسی که وی را (از حقوقش محروم ساخته) عطا نماید.

همچنان حضرت علی رضی الله عنه در باره اثرات اخلاق نیک در زنده گی فرموده است: اخلاق نیک دارای سه خصلت است: از حرام خود را نگهداشتن، حلال را جستجو نمودن و با خانواده خود با سهولت و خوش خویی رفتار کردن^(۲)

حسن بصری رضی الله عنه می گوید: شخص بد خوی همیشه خود را رنج و عذاب می دهد.

۱- المعجم الكبير.

۲- احیاء علوم الدین/ ۲/ ۲۵۱





عبدالله بن مبارک (رحمه الله) می‌گوید: اخلاق نیک در زنده‌گی، داشتن پیشانی باز، خوبی کردن به دیگران و خود را نگهداشتن از بدیها است.

جنید بغدادی (رحمه الله) گفته است: چهار کار است که مقام و منزلت بنده را به بلند ترین درجه بالا می‌برد، گرچند که علم و عمل وی اندک باشد: برد باری، تواضع، سخاوت و اخلاق نیک.

همچنان یحیی بن معاذ فرموده است: بد اخلاقی چنان زشت است که با وجود آن، کثرت اعمال نیک نفع نمی‌رساند.

خلاصه

- اخلاق نیک در زنده‌گی ثمره خوب و اخلاق بد نتیجه نا گوار دارد.
- با داشتن اخلاق نیک انسان می‌تواند سبب خیر و نیکی برای خود، اقارب و هموعان خود شود.

ارزیابی

۱. معنای کلمات: عفو، عرف، وصل و قطع را بیان نمایید.
۲. آیت و حدیث ذکر شده در این درس را حفظ نمایید.
۳. "شخص بد اخلاق خود را عذاب می‌دهد." در توضیح این سخن دو نمونه در کتابچه‌های خود ثبت نمایید.

کارخانه‌گی

شاگردان راجع به اخلاق نیک یک بیت، حکمت، ضرب المثل و یا مقوله ای از گفته‌های علما در کتابچه‌های خود نوشته و آنرا پیش روی صنف ارائه نمایند.



نتایج اخلاق نیک

فضیلت و مرتبه ای که برای اخلاق نیک ثابت گردیده، به دلیل نتایج و پیامدهایی است که بر آن مرتب می‌گردد. پیامدها و نتایج اخلاق، هم در این دنیا نمایان می‌گردد و هم در آخرت سبب نجات و سعادت انسان میشود.



فعالیت

نتایج و ثمره‌های اخلاق نیک در زنده‌گی فردی و اجتماعی چگونه است؟ شاگردان تصورات خود را با رهنمایی معلم ابراز نمایند.

پیامدهای دنیوی اخلاق نیک

۱- کسی که مزین به اخلاق پسندیده و عالی باشد به زودی به دلها راه پیدا می‌کند و محبوبیت او در نزد دیگران افزایش می‌یابد. انسانهای خوش اخلاق همیشه در نظر دیگران خوب و زیبا معلوم می‌شوند و مردم آنان را دوست می‌دارند.

۲- هنگامی که اخلاق نیک در میان افراد جامعه گسترش می‌یابد اعتماد نیز به دنبال آن رواج پیدا می‌کند و مردم با خوش بینی و احترام به یکدیگر نگاه می‌کنند و بدبینی و خصومت کاهش می‌یابد.

۳- جامعه ای که اعضایش به هم اعتماد داشته باشند، به یکدیگر خوش بین باشند، نسبت به هم گمان نیک و حسن نظر داشته باشند، و در مقابل هم با احترام و محبت رفتار کنند، آن جامعه راهش را بسوی پیشرفت و ترقی می‌گشاید، استقلال و عزت خود را حفظ می‌کند، و قوت و اقتدار خود را به ثبوت می‌رساند، زیرا میان افراد آن اعتماد، همبستگی و همکاری مستحکم می‌گردد.





پس دیده می‌شود که پیامدهای اخلاق نیک در این دنیا هم متوجه فرد می‌شود و هم متوجه جامعه، و همه از آن بهره می‌برند و مستفید می‌گردند.

ثمره‌های اخروی اخلاق نیک

از نظر دین مقدس اسلام، نتایج و ثمرات اخلاق نیک تنها دنیوی نیست، بلکه صاحبان آن در آخرت نیز از ثمرات آن بهره مند می‌شوند. در این مورد به نمونه‌هایی از تعلیمات پیامبر اسلام ﷺ اشاره می‌نماییم:

• حضرت انس رضی الله عنه روایت نموده که پیامبر ﷺ فرمود: "همانا بنده با اخلاق نیکش به بالاترین درجات در آخرت و بهترین منازل آن می‌رسد، اگر چند که در عبادت ضعیف بوده است، و با اخلاق ناشایسته به پایین ترین درجه جهنم فرو می‌افتد."^(۱)

• حضرت عائشه رضی الله عنها - گفته است که از پیامبر ﷺ شنیدم که می‌فرمود: "یقیناً انسان مؤمن با داشتن اخلاق نیک درجه کسی را به دست می‌آورد که شبها را به عبادت و روزها را به روزه داری گذرانده باشد."^(۲)

• پیامبر ﷺ فرموده است: "هیچ چیزی در ترازوی اعمال انسان مؤمن در روز قیامت، سنگین تر از اخلاق نیکو نیست."^(۳)

• اخلاق نیک سبب محبوبیت انسان به نزد پیامبر اسلام ﷺ و نزدیکی به ایشان می‌گردد. چنانچه در حدیثی فرموده است: "همانا محبوبترین تان به نزد من و نزدیکترین تان در روز قیامت به مجلس من کسانی از شما هستند که بهترین اخلاق را دارا باشند."^(۴)

پس اگر کسی خواهان موفقیت و سعادت در زنده گی دنیوی باشد باید اخلاق نیک را بشناسد و بدان پایبند باشد، و اگر آرزومند فوز و رستگاری اخروی هم باشد باید به اخلاق نیک بگراید، و اگر هردو را یکجا بخواهد باز هم باید صاحب اخلاق شایسته باشد.

۱- طبرانی

۲- ابو داود

۳- ترمذی

۴- ترمذی





فعالیت

اگر کسی بخواهد اعتماد دوستانش را به دست آورد چه راهی باید درپیش گیرد؟
هر شاگرد یک روش عملی را معرفی نماید.

خلاصه:

- صاحب اخلاق نیکو در دنیا مورد محبت، احترام و اعتبار قرار می گیرد.
- تقویت و گسترش ارزشهای اخلاقی سبب حسن اعتماد، همبستگی و ترقی جامعه می گردد.
- اجر و پاداش اخلاق نیکو در نزد خداوند بالا تر از هر چیز دیگر است.
- انسان دارای اخلاق نیکو در روز قیامت نزدیک ترین مؤمنان به پیامبر ﷺ خواهد بود.

ارزیابی

- ۱- چرا مردم انسانهای خوش اخلاق را دوست می دارند؟
- ۲- چگونه اعتماد در میان مردم گسترش پیدا میکند؟
- ۳- چگونه اخلاق نیک سبب عزت و استقلال و پیشرفت جامعه می گردد؟
- ۴- اخلاق ناشایسته چه پیامدی برای انسان در آخرت دارد؟
- ۵- برای سنگین شدن ترازوی اعمال خود در آخرت، چه باید کرد؟
- ۶- چگونه می توان به مجلس پیامبر ﷺ در قیامت نزدیک گردید؟

کارخانه گی

سه سطر درباره نقش اخلاق نیک در تأمین عزت و استقلال جامعه بنگارید.





اسباب و عواقب اخلاق زشت

رسول الله ﷺ هیچ کار خیر را نگذاشته مگر آنکه امت خود را بر آن تشویق فرموده و دستور داده است و هیچ کار زشتی نبوده، مگر آنکه امت خود را از آن بر حذر داشته است. از جمله اعمال ناپسندی که پیامبر ﷺ امت خود را از آن بر حذر داشته اخلاق بد می‌باشد. در این درس سعی خواهیم کرد تا اسباب و عواقب اخلاق زشت را بیان نماییم.

اسباب اخلاق زشت و ناپسند

اسباب و منشأ تمام اخلاق بد چهار چیز است:

- ۱- **جهل:** جهل و نادانی، کارهای نیک را بد، کارهای بد را نیک و کمال را نقص و نقص را کمال جلوه میدهد.
- ۲- **ظلم:** ظلم، انسان را به نهادن یک چیز در غیر محل آن وامیدارد؛ مثلاً یک شخص را می‌بینی که در جای رضا غضب، در جای تواضع تکبر، در جای سخاوت بخل، در جای خود داری از پر مصرفی تبذیر، در جای درشتی نرمی و در جای نرمی درشتی می‌نماید.
- ۳- **شهوة حرام:** شهوة حرام، انسان را به حرص، طمع، بخل، عدم عفت و پاکدامنی و تمام پستی‌ها و اوار می‌سازد.
- ۴- **خشم و غضب:** خشم و غضب انسان را به کبر، حقد و حسد، ظلم و تجاوز می‌کشاند.



اسباب اخلاق زشت را از لابلای جملات ذیل توضیح دهید:

- ۱- شاگردان چیزهای اضافی خویش را در میدان مدرسه می‌اندازند ()
- ۲- خردسالان بزرگان را احترام نمی‌کنند و بزرگان بر خردان رحم نمی‌نمایند. ()
- ۳- زبیر بسیار غذا می‌خورد، زیاد می‌خواهد و در نمازها کاهلی میکند. ()
- ۴- نسیم فقیران را حقیر می‌شمارد و برای شان از مال خود انفاق نمی‌کند. ()
- ۵- سهیل به خانه دیگران نگاه کرده عیبهای دیگران را فاش می‌سازد. ()

عواقب اخلاق زشت و ناپسندیده

- انسان بد اخلاق مورد نفرت مردم و خشم پروردگار واقع می‌شود.
- انسان بد اخلاق را مردم به اوصاف زشت یاد می‌کنند، در حالی که خود این سخنان را می‌شنود از حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنه روایت است که پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «..... و اهل دوزخ، آنانی اند که الله تعالی گوشه‌های شان را از مذمت مردم که از ایشان می‌نمایند مملو گردانیده است» (یعنی آن قدر مردم آنها را مذمت میکنند که زبان زد عام و خاص گردیده و ایشان نیز از این چیز باخبر هستند).^(۱)
- انسان بد اخلاق، سبب جلب غمها، تلخ کامیها، بد بختی‌ها و شقاوتها می‌شود. اولین کسی که از اخلاق زشت در رنج می‌افتد، شخص بد اخلاق است و بعد نزدیکانش، در نهایت همه مردمی که با او رفت و آمد دارند به نحوی از اخلاق زشتش متأثر می‌گردند.
- اخلاق بد، حلاوت و شیرینی ایمان و نور اسلام را از بین می‌برد.





اسباب تبدیلی اخلاق نیک به اخلاق زشت

اسباب زیادی وجود دارند که سبب تغییر و دگرگونی اخلاق نیک به اخلاق زشت می گردند، که درینجا به مهمترین آنها اشاره می شود:

۱- **قدرت (مقام و منزلت):** بسا اوقات قدرت و کرسی، بر اخلاق انسان تأثیر منفی به جای گذاشته اخلاق وی را دگرگون می سازد و او را از دوستان قدیمی اش متنفر می گرداند.

۲- **بر کناری از قدرت:** گاهی قدرت از دست رفته، انسان را به سمت اخلاق نا شایسته سوق می دهد، و او را در اثر شدت تأسف و حزن و یا هم بخاطر قلت صبر، به ضیق صدر، غضب و روی آوردن به کارهای زشت وادار می سازد.

۳- **ثروت و پولداری:** گاهی ثروت سبب طغیان و سرکشی انسان می گردد. به تجربه ثابت شده که ثروت سبب سرکشی و طغیان بسیاری از مردم شده است.

۴- **فقر و مستمندی:** گاهی فقر، اخلاق را تغییر می دهد؛ زیرا بعضی از انسانهای فقیر در اثر ایمان ضعیف و شدت اندوه و تنگدستی، دست به کارها و اعمالی می زنند که شایسته انسان مؤمن نیست. به طور اغلب دزدی، قطاع الطریقی، کیسه بری و امثال این کارها در وهله نخست در نتیجه فقر و تنگدستی رخ می دهد و بعد در نتیجه ممارست به خوی و اخلاق بد تبدیل می شود. از همین سبب اسلام با فقر مبارزه می کند، پیامبر ﷺ از فقر و تنگدستی به خداوند متعال پناه می خواست.

۵- **غمگینی:** غم و اندوه زیاد عقل انسان را دچار اختلال ساخته قلب او را به خود مشغول می سازد و در نتیجه در اخلاق و رفتار وی نیز دگرگونی رخ می دهد. به همین سبب پیامبر ﷺ از غم و اندوه به خداوند متعال پناه می برد.





۶- همنشینی با بدان: وقتی انسان با انسان‌های بد اخلاق هم صحبت می‌شود، خواهی نخواهی از خوی و رفتار آنها متأثر می‌گردد. از همین روی پیامبر ﷺ امت خود را به این امر متوجه ساخته آنها را از انتخاب رفیقان بد بر حذر داشته می‌فرماید:

(الرَّجُلُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ)^(۱)

ترجمه: هر شخصی بر دین رفیقش است؛ باید هر یکی از شما متوجه باشد که با چه کسی دوستی و رفاقت می‌کند.

ارزیابی

- ۱- اخلاق زشت چگونه به وجود می‌آید و اسباب آن کدام است؟
- ۲- اخلاق زشت چه عواقبی در پی دارد؟
- ۳- کدام حالات اند که عامل بد اخلاقی می‌گردند؟
- ۴- آیا همنشین در اخلاق و رفتار انسان تأثیر دارد؟ برای اثبات مدعای خویش دلیل بیاورید.



مقاله بنویسید و در آن، روشهای تغییر اخلاق زشت به اخلاق نیکو را بیان دارید.





اخلاق نیک پاکی قلب است

همانطوری که جسم ظاهری انسان دچار بیماری می‌گردد، نفس باطنی انسان نیز مبتلا به درد و بیماری می‌شود. مثلاً قسمی که دست در نتیجه بیماری نمی‌تواند کار کند و یا چشم به سبب مرض از دیدن باز می‌ماند، قلب نیز به سبب بیماری باطنی از انجام وظایفی که برایش تعیین گردیده بصورت درست برآمده نمی‌تواند.

وظایف قلب پاک

از جمله وظایف قلب پاک و سالم این است که انسان خداوند متعال را بشناسد، به پروردگار خود محبت ورزد، برای عبادت او تعالی بصورت درست آماده شود و بخاطر رضای او تعالی همه خواهشات و خواسته‌های خود را نیک و آراسته بسازد. خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ [سوره الذاریات: ۵۶].

ترجمه: ما جن و انس را تنها برای عبادت و معرفت خود پیدا نموده ایم. اگر کسی همه چیز را بشناسد، مگر خالق را نشناخته باشد، مانند آن است که هیچ چیزی را نشناخته است؛ زیرا که خالق و پیدا کننده همه چیزها را نشناخته است. فایده و ثمره شناخت خداوند متعال محبت و ورزیدن با او تعالی و برای بنده‌گی او بصورت کامل آماده شدن است، به این ترتیب که انسان خدا شناس هیچ امری را بر امر خداوند ﷻ ترجیح ندهد و بهتر نداند. این شخص دارای قلب پاک است.

پس کسی که در عین دعوای دوستی خدا و خواستن رضای او تعالی، چیزهای دیگری را بر محبت و رضای خداوند ترجیح می‌دهد، قلب وی مریض است. مانند معده معلولی که نسبت به نان، خاک برایش مزه دار تر باشد. این نوع قلبها بیشتر به مریضی مبتلا هستند، و بواسطه اخلاق خوب شفای قلبها و پاکی آن از گناه حاصل می‌گردد. به طور مثال بخل ورزیدن یک بیماری باطنی است که به سبب آن انسان از خداوند دور می‌شود. علاج این بیماری این است که انسان بخل را از خود دور نموده نفس خویش را پاک سازد و به مصرف نمودن مال در راه صحیح همت گمارد تا آنکه به سخاوت عادت کند و آنرا اخلاق خود بگرداند. به همین قسم سایر انواع اخلاق نیک انسان را صاف و پاک می‌سازد، سعادت و نیکبختی دنیا و آخرت را برای انسان بار می‌آورد.



فعالیت

۱. انسان برای چه آفریده شده است؟ شاگردان با رهنمایی معلم محترم در روشنایی آیه مبارکه ﴿وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾ گفتگو و ابراز نظر نمایند.
۲. شاگردان مطابق جدول زیر پنج مرض باطنی را همراه با اثرات آن بطور فشرده در کتابچه های خویش بنویسند.

مثال:

اثرات آن	اخلاق بد
سبب محروم شدن از رحمت خدا ودوری از مردم میشود.	کبر

۳. برای بدست آوردن اخلاق نیک، در روشنایی درس فوق چه پیشنهاد می‌نمایید؟

خلاصه

- همانطور که جسم ظاهری انسان به مریضی مبتلا می‌شود، روح انسان نیز دچار بیماری می‌گردد.
- مفاصد اخلاقی و صفات زشت سبب مریضی قلب می‌گردد.
- معرفت و عبادت خداوند متعال قلب انسان را از بیماریهای باطنی سالم نگه میدارد.

کارخانه‌گی

در ده سطر مقاله ای راجع به شناخت و علاج امراض قلبی بنویسید.





ارتباط اخلاق با ایمان و عبادت

اول: ارتباط اخلاق با ایمان

دین مقدس اسلام، ایمان را به حیث تهداب اساسی اخلاق معرفی نموده است. پس تمام سلوک و رفتارهای معنوی و ظاهری فرد مؤمن، از ایمان وی سرچشمه می‌گیرد. حضرت پیامبر ﷺ فرموده است: **(إِنَّ الْحَيَاءَ وَالْإِيمَانَ قُرْنَا جَمِيعًا، فَإِذَا رُفِعَ أَحَدُهُمَا رُفِعَ الْآخَرُ)**^(۱)

ترجمه: «حیا و ایمان، به همدیگر پیوست داده شده اند؛ هرگاه یکی از این دو، برداشته شود دومی نیز برداشته می‌شود».

از ابو سعید خدری روایت شده که پیامبر ﷺ فرموده اند: **(أَكْمَلُ الْمُؤْمِنِينَ إِيمَانًا أَحْسَنُهُمْ أَخْلَاقًا، الْمُوْطَّوْنُ أَكْنَافًا، الَّذِينَ يَأْلِفُونَ وَيُؤْلَفُونَ، وَلَا خَيْرَ فِيمَنْ لَا يَأْلَفُ وَلَا يُؤْلَفُ)**^(۲) **ترجمه:** «صاحبان بهترین اخلاق و نیکو ترین رفتار، از کامل ترین ایمان برخوردار اند؛ ایشان با تواضع و فروتنی رفتار می‌کنند، آنانی که با دیگران انس می‌ورزند و رفتارشان جذاب و پر کشش است، واز کسی که نه انس ورزد و نه انیس دیگران شود، خیری مُتَّصِر نیست»

در حدیث دیگری پیامبر بزرگ اسلام ﷺ اخلاق زشت را از نشانه‌های نفاق معرفی کرده است، چنانچه آن حضرت ﷺ می‌فرماید: **(أَرْبَعٌ مَنْ كُنَّ فِيهِ كَانَ مُنَافِقًا خَالِصًا، وَمَنْ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنْهُنَّ كَانَتْ فِيهِ خَصْلَةٌ مِنَ النِّفَاقِ حَتَّى يَدْعَهَا إِذَا أُوْتِيَ خَانَ، وَإِذَا حَدَّثَ كَذَبَ، وَإِذَا عَاهَدَ غَدَرَ، وَإِذَا خَاصَمَ فَجَرَ)**^(۳).

۱- المستدرک - (۱ / ۷۳)

۲- المعجم الصغير ۱ / ۳۶۲

۳- رواه البخاري، باب علامة المنافق





ترجمه: اگر چهار خصلت در وجود کسی موجود باشد، آن شخص منافق خالص به شمار می‌رود، و در هرکسی که یکی از آن خصلتها موجود باشد در او یک خصلت از خصلتهای نفاق موجود است، تا آن که آن خصلت را رها نماید، (و آن خصلتها عبارت اند از): هرگاه امین قرار داده شود در آن خیانت می‌کند، و چون سخن بزند دروغ می‌گوید، و زمانی که پیمان و عهده می‌کند غدر می‌کند، و چون خصومت ورزد بد زبانی می‌نماید».



فعالیت

در مورد مفهوم نفاق و اوصاف منافقان در میان خود بحث نموده سه صفت از صفات دیگر آنها را نیز بیان نمایید.

دوم: رابطه میان اخلاق و عبادات

رابطه اخلاق با عبادات نیز رابطه ای استوار و ناگسستنی است و در حقیقت هدف عبادات آن است که فضایل را در وجود انسان تقویت نماید و از اخلاق بد باز دارد. برای اثبات مدعای خویش می‌توانیم مثال‌های زیادی بیاوریم؛ ولی به چند مثال اکتفا می‌نماییم:

۱- نماز وسیله حصول اخلاق نیکو و دوری از اخلاق زشت

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت:

[۴۵]

ترجمه: و نماز را برپا دار که نماز از کار زشت و ناپسند باز می‌دارد. نمازی که صاحب خود را از گناه منع و نفسش را تزکیه نکند، با روح و حقیقت نماز مطابق نیست و هیچ ثوابی هم بر آن مرتب نخواهد شد.

خداوند ﷻ در یک حدیث قدسی می‌فرماید: ﴿إِنَّمَا أَتَقَبَّلُ الصَّلَاةَ مِمَّنْ تَوَاضَعَ بِهَا لِعَظَمَتِي وَلَمْ يَسْتَطِعْ عَلَى خَلْقِي وَلَمْ يَتِ مُصِرًّا عَلَى مَعْصِيَتِي وَقَطَعَ نَهَارَهُ فِي ذِكْرِي وَرَحِمَ الْمَسْكِينُ،





وَابْنِ السَّبِيلَ وَالْأَرْمَلَةَ وَرَجِمَ الْمَصَابَ ﴿١﴾

ترجمه: تنها از کسی نماز را می‌پذیرم که به وسیله نماز خویش در برابر عظمت و جلال من، فروتنی نماید، و با نمازش بر مردم فخر فروشی نکند و به معصیت اصرار نورزد، و روز را به ذکر من سپری نماید و بر تنگدست، مسافر، بیوه و مصیبت زده ترحم کند.

۲- صدقه، مؤمن را تزکیه و تطهیر می‌کند

خداوند ﷻ می‌فرماید: ﴿خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا﴾ [التوبة: ۱۰۳]
ترجمه: از مال‌های آنها صدقه بگیر، تا بدان، ایشان را (از بخل و سنگدلی) پاک گردانی. زکات انسان را از گناهان پاک می‌گرداند، احساسات وی را در برابر تنگدستان بیدار می‌سازد، نفس او را برای کمک به محتاجان و تنگدستان آماده می‌نماید.

۳- روزه، مسلمان را به نگهداشت اخلاق نیکو فرا می‌خواند

پیامبر ﷺ می‌فرماید: (إِذَا كَانَ يَوْمُ صِيَامٍ أَحَدِكُمْ فَلَا يَرْفُثْ وَلَا يَصْخَبْ فَإِنْ شَاتَهُ أَحَدٌ أَوْ قَاتَلَهُ فَلْيَقُلْ إِنِّي صَائِمٌ).

ترجمه: هرگاه یکی از شما روزه داشت، نشاید که فحش بگوید و نشاید که داد و فریاد برپا کند، و اگر کسی به او دشنام می‌داد و با او به ستیزه بر می‌خاست، برایش بگوید: من روزه دار هستم.

۴. حج، اخلاق مؤمن را به مدارج عالی می‌رساند

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْحَجُّ أَشْهُرٌ مَعْلُومَاتٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ﴾ [سوره البقره: ۱۹۷]

ترجمه: حج، در ماه‌های معلوم است؛ پس هرکسی که حج بر وی فرض شده باشد (باید بداند که) در حج فحش، گناه و جنگ نیست.

پس دانسته می‌شود که نماز، زکات، روزه و حج، در صورتی که در صاحب خود اخلاق نیکو را به بار نیاورد و تثبیت نکند، اهداف اصلی آن بر آورده نخواهد شد.





شاگردان در میان خود گفتگو نموده سعی نمایند که بعضی آیات واحادیثی را ذکر نمایند که به آثار عبادات بر اخلاق ارتباط می‌گیرند.

ارزیابی

۱. چگونه ثابت می‌توان کرد که اخلاق با ایمان رابطه نزدیک دارد؟
۲. کدام حدیث ثابت می‌سازد که منافقین از اخلاق نیکو دور اند؟
۳. عمده ترین اوصاف منافقین کدامها اند؟
۴. (نماز اخلاق نیکو را در وجود آدمی غرس می‌نماید). برای اثبات این مطلب یک آیه قرآنی و یا حدیث نبوی بیاورید.
۵. اگر شخص نمازگزار دارای اخلاق زشت باشد، به چه چیزی دلالت می‌کند؟
- ۶- روزه و حج چه اثری بر اخلاق انسان دارد؟
- ۷- کدام فواید اخلاقی اجتماعی در زکات وجود دارد؟



دو آیت و دو حدیث شریف را که در متن درس به آنها استشهاد صورت گرفته همراه با ترجمه آن از بر نموده در روز بعدی در پیش روی صنف بخوانید.





کسب اخلاق نیکو

آیا اخلاق قابل تغییر و تبدیل است؟ آیا عمل، سعی و کوشش انسان در چگونگی ارزشهای اخلاقی و تغییر آن نقش دارد؟ کدام راهها و روشها می تواند در ایجاد اخلاق انسان تأثیر بگذارد؟ عوامل تغییر دهنده اخلاق کدام است؟

اخلاق انسان هم کسبی می باشد و هم فطری؛ اخلاق کسبی قابل تغییر و تبدیل است. اخلاق کسبی را می توان با ممارست و تمرین تغییر داد و یا از میان برد. اما اخلاق فطری را نمی توان از میان برد؛ ولی می توان آن را تهذیب و تقویت کرد. وظیفه انبیا علیهم السلام این بود که اخلاق کسبی زشت را به اخلاق نیک مبدل سازند و اخلاق فطری زشت را تهذیب و مفید گردانند.

خداوند متعال پیامبر اسلام را در میان قومی به پیغمبری مبعوث کرد که انواع عادات و اخلاق بد و نا درست در میان شان وجود داشت. با یکدیگر در جنگ بودند، یکی مال دیگری را چور و چپاول می نمود، بالای مردمان ضعیف ظلم و ستم صورت می گرفت، اما در نتیجه تعلیم و تربیه اخلاقی آن حضرت صلی الله علیه و آله از همان قوم، مردمانی بار آمدند که برای همه بشریت معلمان اخلاق نیکو شدند.

تأثیر محیط در تغییر اخلاق

هرگاه ما و شما در قریه و محله خود متوجه شویم، می بینیم که مردم از ماحول خود اثر می پذیرند، آن پسران و دخترانی که به خانواده های نیک تعلق دارند و با مردمان دارای اخلاق نیک نشست و برخاست می کنند، اخلاق آنها خوب می شود، و اگر با خانواده هایی تعلق داشته باشند که تربیه و تعلیم خوب ندارند و یا دوستان و همنشینان بد داشته باشند، بالای اخلاق شان تأثیر نا درست می گذارد و آنها را به راه بد اخلاقی می کشانند.

عوامل و راههای تغییر اخلاق

روشها و اسبابی که از آن در تغییر و دگرگونی اخلاق کار گرفته می شود تعلیم و تربیه می باشد. علم به انسان در باره اخلاق آگاهی میدهد، و به واسطه تربیه، تمرین و آزمایش به عادت تبدیل میشود. به شرح بیشتر این موضوع توجه نمایید.

۱. تعلیم: تعلیم، معرفت و آگاهی انسان را در باره اخلاق خوب و بد تقویت



می بخشد. به واسطهٔ تعلیم اخلاق نیک و استفاده از آن و همچنان اخلاق بد و زیان‌های آن شناسایی می‌گردد.

قرآن کریم، سنت و سیرت پیامبر ﷺ بزرگترین مصادر اخلاق اند که انسان می‌تواند از طریق آنها به اوصاف و خصوصیات اخلاقی معرفت و آگاهی پیدا نماید.

۲. **تربیه:** تربیه همراه با تکرار و آزمایش عملی یکی از وسایل مهم تقویت ورسوخ اخلاق است که از طریق خانواده، مکتب و مدرسه، همصنفان و دوستان خوب، نشست و برخاست با مردمان محل و شهر به انسان تلقین می‌شود.

پس تعلیم و تربیه در شناخت، تغییر و تبدیل صفات اخلاقی تأثیر اساسی دارد که به وسیلهٔ تعلیم و تربیه انسان می‌تواند اخلاقش را نیکو سازد و از اخلاق بد و نا شایسته اجتناب ورزد.

خلاصه

- صفات فطری وکسبی هر دو در اخلاق تأثیر دارد.
- محیط پرورش و زنده‌گی در چگونگی اخلاق انسانها تأثیر مهم و اساسی دارد.
- اوصاف وارزشهای اخلاقی با دو عنصر (تعلیم و تربیه) تغییر و تقویت می‌شوند.

ارزیابی

۱. پیامبر اسلام ﷺ نمونهٔ بارز تغییر و تهذیب اخلاق است. شاگردان توضیحات بدهند.

۲. با ملاحظهٔ رویدادهای ماحول خود و از طریق تربیه و تمرین راجع به امکانات تغییر اخلاق مثال ذکر نمایید.

۳. کدام وسایل و روشها در بدست آوردن اخلاق نیک تأثیر دارد؟

۴. فهم و شناخت اخلاق از کدام منابع حاصل می‌شود؟

کارخانه‌گی

هر شاگرد در بارهٔ این درس، برای اعضای خانوادهٔ خود صحبت کند و در درس آینده فعالیت خود را در صنف ارائه نماید.





ارزش اخلاق نیک

آیا داشتن اخلاق نیک تنها برای مسلمان است و یا اینکه داشتن سجایای اخلاقی برای هر انسان ضروری است؟ برای یک انسان غیر مؤمن داشتن ارزشهای اخلاقی چه اهمیت دارد؟

اخلاق چیزی است که ارزش معنوی انسان را تعیین می‌نماید و به دو نوع تقسیم می‌شود، اخلاق انسانی و اخلاق اسلامی.

اخلاق نیک انسانی: این نوع اخلاق صاحب خود را به یک انسان مؤثر در زنده‌گی مبدل می‌سازد. داشتن ارزشهای اخلاق انسانی برای کامیابی هر گروه موفق و یا هر جامعه کامیاب و پیشرفته شرط لازمی است.

افراد و جوامع به اساس اهلیت اخلاقی شان، می‌توانند اثر گذار باشند و یا مانند سلاح نا درست و جعلی بی تأثیر باقی بمانند. البته وسایل و ابزارهای اصلی و خوب مؤثر می‌باشند.

پس هرگاه در طبیعت یک انسان صبر موجود باشد، مشکلات را تحمل نماید، ثبات و استقامت ورزد، برای حصول مقاصد خود سعی و تلاش دوامدار نماید، دارای همت عالی بوده سست و بیکار نباشد، راست بگوید، شجاعت داشته و با اهداف خود محبت ورزد و برای آن به قربانی حاضر باشد، برنامه داشته باشد و کارها را با تدبیر و سنجش انجام بدهد و احساسات خود را کنترل نماید، این شخص در رسیدن به اهداف خویش موفق می‌باشد، چه مسلمان باشد و یا خیر.

به همین ترتیب، هرگاه در یک جامعه اخلاق پسندیده وجود داشته باشد مانند گذشت





و بخشش در برابر یکدیگر، باور داشتن به اهداف عمومی و سعی برای آن، ایثار، پاکی و نظافت، نظم، به مردمان مطابق توانایی شان وظیفه سپردن، احترام به نظریات یکدیگر، داشتن روحیه تحمل و احساس مسؤولیت و حسابدگی از کار خود، ترحم و دلسوزی با یکدیگر، همدردی، راستگویی، امانت داری، معقولیت و اعتدال پسندی. که هرگاه اینگونه عادت‌ها در یک جامعه موجود باشد، یقیناً آن جامعه به اهداف خود می‌رسد، چه آن جامعه مؤمن بخدا باشد و یا نباشد.



شاگردان برای به دست آوردن اهداف اخلاقی فرد و جامعه، پنج پنج نمونه از عناصری که مؤثر واقع می‌شود ذکر نمایند.

اخلاق اسلامی: دین مقدس اسلام همه ارزشهای اخلاق نیک انسانی در فرد و جامعه را تقویت و برجسته ساخته، آنرا تهذیب و توجیه می‌نماید. تقویت این ارزشها به این ترتیب حاصل می‌شود که:

الف- به اساس ایمان به خداوند ﷻ که هیچ کس از او غایب نمی‌باشد و به اساس ایمان به آخرت که برای هر کس مطابق اعمال خوب و بد جزا داده می‌شود، مقتضی است که عادات و خصلت های شایسته فردی و اجتماعی در میان مؤمنان نسبت به هر کسی دیگر قوی و عمیق باشد.

ب- انسان موجودی است عاقل، عقل رهبری درونی و راهنمای باطنی اوست، عقل حکم می‌کند تا از اهلیت و توانایی خود برای بدست آوردن اهداف مشروع و نیک در راه منفعت انسانیت استفاده نماید، و امکانات و توانایی‌های خود را در جهت انجام کارهای نا روا به مصرف نرساند. پیامبر ﷺ می‌فرماید: **(خَيْرُ النَّاسِ أَنْفَعُهُمْ لِلنَّاسِ)**.^(۱)

ترجمه: بهترین مردمان آنانی اند که به مردم منفعت بیشتر برسانند.

ج- توجه به تقویۀ ارزشهای اخلاقی به دو قسم صورت می‌گیرد:

۱- أخرجه الشهاب القضا فی مسنده





۱. تهذیب و پاک نمودن و در نظر گرفتن معیارها مانند سخاوت که یک عادت نیک است، ولی اگر این عادت از حالت اعتدال بیرون شود، به اسراف تبدیل میشود؛ پس اسلام برای سخاوت احکامی وضع نموده و معیارهایی برای آن تعیین کرده تا اینکه با اسراف فرق پیدا نماید.

۲. مشروع ساختن اخلاق شرعی خاص، مانند اخلاص، تواضع، شکر، قناعت و امثال آن که عقل به تنهایی بدون وحی امکانات رسیدن به آن را ندارد.

ولی اگر فرد و یا جامعه ای که خود را مسلمان معرفی می نماید، اما از داشتن اخلاق نیک فردی و اجتماعی محروم است، نمیتواند تنها با این دعوا به فرد و یا جامعه مؤثر مبدل گردد. خداوند متعال در قرآن کریم می فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يَغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يَغَيِّرُوا مَا بِأَنفُسِهِمْ﴾ [الرعد: ۱۱].

ترجمه: همانا خداوند عزوجل سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی دهد، تا آنکه قوم آنچه را که در خود شان است تغییر دهند.

خوشحالی جامعه، ثبات، پیشرفت زندگی و امور دینی، حفظ آزادی و در جهان بعنوان یک ملت مؤثر نقش مثبت بجا گذاشتن، وقتی ممکن است که جامعه بشری در سطح فردی و اجتماعی از اخلاق نیک بهره مند باشند.

خلاصه

• "اخلاق به دو نوع تقسیم می شود که یکی اخلاق انسانی و دیگری اخلاق اسلامی می باشد.

• اخلاق انسانی صاحب خود را در زندگی دنیا مقبول و موفق می سازد.

• "اخلاق اسلامی انسان را هم در زندگی دنیا و هم در آخرت موفق و سعادتمند می گرداند.

• دین مقدس اسلام صفات اخلاقی را تهذیب و توجیه و اعتدال می بخشد.

ارزیابی





۱. آیا اخلاق نیک تنها صفت مسلمان است و یا شخص دیگری نیز می‌تواند آنرا داشته باشد؟

۲. هرگاه فرد و یا جامعه اخلاق نیک داشته باشد، برایش چه ثمراتی پیش می‌آید؟

۳. اگر فرد و یا جامعه اخلاق مؤثری نداشته باشد، آیا تنها با ادعای ایمان و اسلام کدام اثری به آن مرتب می‌گردد؟

۴. ایمان راستین در اخلاق چه نوع تغییر ایجاد می‌نماید؟



پیرامون ارزش اخلاق نیکو در جامعه در چهار سطر مطالبی در کتابچه‌های تان بنویسید.





اخلاق پیامبر اسلام ﷺ

پیامبر اسلام ﷺ منبع و سر چشمه آداب و اخلاق است و مسلمانان اخلاق خود را از او می‌گیرند. در این درس به گوشه‌هایی از اخلاق نبوی نظر اندازی می‌کنیم.

قرآن اخلاق پیغمبر است

مناسب‌ترین و زیبا‌ترین تعبیری که از اخلاق پیامبر اسلام ﷺ صورت گرفته، همین قول أم المؤمنین حضرت عائشه رضی الله عنها می‌باشد که فرموده اند: ﴿كَانَ خُلُقُهُ الْقُرْآنَ﴾^(۱) یعنی: اخلاق پیغمبر ﷺ قرآن بود.

قرآن‌کریم اخلاق پیغمبر ﷺ را با این وصف شگفت‌انگیز بیان می‌نماید: ﴿وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ﴾ [سوره القلم، آیت: ۴]

ترجمه: و تو اخلاق بزرگ و بر جسته ای داری.

پیامبر بزرگ اسلام این شهادت آسمانی را با قلب استوار استقبال نمود، بدون آنکه احساس کبر و خود بینی نماید و بر دیگران برتری و بزرگی نشان دهد؛ بلکه با تواضع و ثبات، اخلاق را جزء اساسی رسالت خود اعلان نموده فرمود که ﴿إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ﴾^(۲)

ترجمه: جز این نیست که من فرستاده شده‌ام تا مکارم اخلاق را تکمیل نمایم. پس عنصر اخلاق جزء اصلی و اساسی رسالت محمدی محسوب می‌گردد که به طهارت و نظافت، صدق و امانت، ترحم و عدالت، نیکی و التزام به عهد دعوت می‌کند و در مقابل از ظلم و استبداد، مکر و فریب، تجاوز به جان و مال و ناموس دیگران بشدت منع می‌نماید و در همه امور اخلاقی حیات فردی و اجتماعی و روابط انسانی و جهانی

۱- جامع الأحادیث

۲- السنن الکبری للبيهقي





مطابقت قول و عمل، ظاهر و باطن، شعور و سلوک، را ضروری می‌داند.

نمونه‌هایی از اخلاق پیامبر اسلام ﷺ

با در نظر داشت اینکه اخلاق پیغمبر اسلام بر خاسته از قرآن است و ارزشهای اخلاقی جزء اساسی رسالت آن حضرت می‌باشد، اقوال و احادیث پیامبر اسلام و سیرت عملی حیات مبارک ایشان تطبیق عملی ارزشهای اخلاقی در همه جوانب و عرصه‌های زندگی می‌باشد. ارزشهای اخلاقی مانند: تواضع، صدق، امانت، وفاء، عدالت، سخاوت، پارسایی، برخورد نیکو، عبادت و ترس خدا و دیگر سجایای اخلاقی جزء اساسی و لازمه سنت قولی و فعلی و سیرت عملی پیامبر اسلام را تشکیل مینماید.



معلم محترم شاگردان را همکاری نماید تا نمونه‌هایی از اخلاق پیغمبر را در (تواضع، امانت، سخاوت، زهد و پارسایی، حسن معاشرت، عبادت و خدا ترسی) پیش روی صنف بیان نمایند.

سجایای اخلاقی در حیات پیامبر ﷺ

برخی سجایای اخلاقی و آداب پیامبر اسلام ﷺ در حیات خانوادگی و عمومی، فردی و اجتماعی این چنین بود:

- پیامبر اسلام با فقرا و مساکین و بیچارگان می‌نشست و با آنها غذا می‌خورد.
- صله رحم را با خویشاوندان و اقارب خود نگه میداشت، بدون آنکه ایشان را بر دیگران ترجیح دهد.
- با وقار و ادب نگاه می‌کرد و از شدت تواضع، نظرش به طرف زمین بیشتر و طولانی تر بود نسبت به آسمان.
- پیامبر اسلام شجاع ترین انسانها بود، جایی که مردم می‌ترسیدند خود پیشقدم می‌گردید، مردم را حمایت می‌کرد و در میدان جنگ نزدیک ترین شخص به دشمن





می‌بود.

- اهل مجلس خود را به آنچه مناسب بود مخاطب می‌ساخت و با آنان سخن میگفت.
- زید بن ثابت می‌گوید: وقتی که در مجلس پیامبر ﷺ می‌بودیم، اگر در امور آخرت صحبت می‌کردیم با ما شریک می‌شد، اگر در امور دنیا سخن می‌گفتیم ما را همراهی می‌کرد و اگر در باره خوردنی و نوشیدنی صحبت می‌کردیم نیز با ما شریک می‌شد.
- پیامبر ﷺ راستگو ترین مردم بود، همه سخنان و کردارش مطابق حقیقت بود، حتا اگر مزاح هم می‌کرد از صدق و راستی بدور نبود.
- ملتزم ترین شخص به مبادی اسلام بود و همه تعالیم دین را بی کم و کاست تطبیق می‌کرد.

- هرگاه غم و اندوهی به پیامبر ﷺ چیره می‌شد، به نماز پناه می‌برد و می‌فرمود:
(جُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ)^(۱)

ترجمه: روشنائی چشمانم در نماز گذاشته شده است.

- خلوت نشینی را غرض ذکر خدا و تفکر و تأمل و محاسبه کار خود، دوست داشت.
- از روی تواضع، با هر کسی که رو برو می‌شد در ادای سلام سبقت می‌کرد.
- غذایی که به وی تقدیم می‌گردید هرگز در آن عیب نمی‌گرفت، بلکه اگر میخواست تناول میکرد و اگر نمی‌خواست آنرا می‌گذاشت.
- به اندازه ضرورت سخن می‌گفت، زیادت و نقصان بیجا در کلامش نبود.
- هرگز برای شخص خود خشمگین نمی‌شد و انتقام نمی‌گرفت.
- یاران خود و مردم را تفقد می‌کرد تا از وضعیت و امور ایشان مطلع باشد.
- نشست و بر خاستش بدون ذکر خدا نبود.
- خود لباسهایش را بخیه میکرد، پاپوشهایش را پینه می‌زد، با خادمان یکجا غذا می‌خورد، بر زمین می‌نشست، با غنی و فقیر یکسان مصافحه می‌نمود، مسکین و درمانده ای را نسبت فقرش تحقیر نمی‌کرد، در هنگام مصافحت تا آنکه شخص مقابل دست خود را نمی‌کشید، دستش را رها نمیکرد، به غنی و فقیر و خورد و بزرگ سلام می‌داد.





خلاصه

- پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ منبع و سرچشمه اخلاق است.
- خداوند متعال اخلاق رسول گرامی را ستوده و قرآن را اخلاق آنحضرت قرار داده است.
- پیامبر گرامی اسلام نمونه والای اخلاق معنوی و ظاهری می باشد.

ارزیابی

۱. "اخلاق پیامبر ﷺ قرآن کریم بود". این مقوله کی؟ و برای چه کسی؟ و به کدام مناسبت گفته شده است؟
۲. قرآنکریم اخلاق پیغمبر اسلام را چگونه تعریف کرده است؟ آیت قرآنی را در این باره ذکر نمایید.
۳. جایگاه و منزلت اخلاق نیک در رسالت پیامبر اسلام چگونه معرفی گردیده است؟ حدیث نبوی را در این باره ذکر نمایید.
۴. هر شاگرد یکی از سجایای اخلاقی پیامبر اسلام را که در این درس ذکر گردیده، پیشروی صنف قرائت نماید و با همکاری و مشارکت معلم و شاگردان در مورد آن توضیحات بدهد.

کارخانه گی

در باره اخلاق پیغمبر ﷺ در خانواده و رفتار ایشان با زیردستان یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کم نباشد.





آداب سخن گفتن (۱)

نعمت زبان

زبان و بیان از جمله نعمتهای عظیم خداوند است که انسان را به وسیله این نعمت بزرگ بر سایر مخلوقات کرامت و برتری بخشیده است؛ پس بر انسان است که آداب و اخلاق سخن گفتن را مراعات کند تا شکر این نعمت بزرگ را ادا نماید.



فعالیت

شاگردان راجع به فواید زبان ابراز نظر نمایند.

اهمیت زبان

روایت شده که لقمان حکیم از یک شاگردش تقاضا کرد گوسفندی ذبح کند و خوبترین جزء آنرا برایش بیاورد، شاگرد زبان گوسفند را به وی تقدیم کرد. باز لقمان از وی خواست بدترین جزء گوسفند را برایش بیاورد، شاگرد باز هم زبان گوسفند را احضار نمود. وقتی لقمان سبب این کار را از وی پرسید، شاگرد هوشیار جواب داد: هرگاه زبان در خیر استعمال شود خوبترین جزئی در انسان است، و اگر همین زبان به شر استخدام گردد بدترین عضو در وجود انسان میباشد.

دین مقدس اسلام توجه خاصی به زبان، سخن گفتن، موضوع سخن و آداب سخن گفتن نشان داده و تأکید نموده که این نعمت خداوندی باید در راه خیر و نیکی استعمال گردد و از سخنان بیهوده و زیان آور جلو گیری بعمل آید. خداوند متعال گفتگوهای بی فایده و سرگوشیهای حساسیت بر انگیز را نا درست خوانده می فرماید: ﴿لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ﴾ [النساء: ۱۱۴].

ترجمه: در اغلب راز گوییهای ایشان خیری نیست، مگر آنکه کسی به صدقه یا به





نیکوکاری یا اصلاح بین مردم دستور دهد.

کدام بهتر است؟

هر انسان قبل از سخن گفتن باید فکر کند، آیا به آنچه میگوید ضرورت است یا خیر؟ اگر سخن گفتنش ضرور و مفید باشد سخن گفتن خوب است، در غیر آن بهتر است سکوت اختیار نماید، زیرا سکوت و اجتناب از سخن بی مورد از نگاه اسلام عبادت است و اجر عظیم دارد. پیامبر اسلام ﷺ در این باره می‌فرماید: **(أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَيِّسِرِ الْعِبَادَةِ وَأَهْوَنَهَا عَلَى الْبَدَنِ؟ الصَّمْتُ وَحُسْنُ الْخُلُقِ)**.^(۱)

ترجمه: آیا شما را به آسانترین عبادت و سبکترین آن برای بدن خبر ندهم؟ همانا سکوت و اخلاق نیک است. همچنان پیامبر اسلام می‌فرماید: **(مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَقُلْ خَيْرًا أَوْ لِيَصْمُتْ)**.^(۲)

ترجمه: کسی که به خدا و روز آخرت ایمان داشته باشد، باید سخن خیر بگوید و یا سکوت اختیار کند.

امروز سخنهای بیهوده اکثر مجالس مردم را تشکیل میدهد، انسانهایی که میخواهند افکار خود را جمع و اعمال خود را مراجعه و باز رسی نمایند دوست دارند از اماکن پر غوغا به محیطهای آرام فرار کنند. پیامبر اسلام ﷺ در حدیث دیگری به صحابی جلیل القدر ابوذر غفاری چنین توصیه مینماید: **(عَلَيْكَ بِطُولِ الصَّمْتِ فَإِنَّهُ مَطْرَكَةٌ لِلشَّيْطَانِ، وَ عَوْنٌ لَكَ عَلَى أَمْرِ دِينِكَ)**.^(۳)

ترجمه: بر تو است تا سکوت طولانی اختیار نمایی؛ زیرا سکوت، شیطان را می‌راند و تو را در امر دینت کمک میرساند.

زبان لجام گسیخته در دست شیطان است

یقیناً زبان لجام گسیخته و بی قید و بند در دست شیطان است که صاحبش را طوریکه خواسته باشد بطرف شر و هلاکت سوق میدهد، و قتیکه انسان اختیار زبان خود را نداشته باشد، دهانش مدخلی برای ورود نا پاکیهایی است که قلب انسان را آلوده

۱- مرقات المفاتیح.

۲- روایت بخاری

۳- روایت احمد.





می‌سازد و آنرا با پرده‌های غفلت می‌پوشاند.^(۱)

به این ترتیب نگهداری زبان از اخلاق اسلامی و دلیل استقامت ایمانی و اطمینان قلبی انسان است؛ چنانچه پیامبر اسلام می‌فرماید: **(لَا يَسْتَقِيمُ إِيمَانُ عَبْدٍ حَتَّى يَسْتَقِيمَ قَلْبُهُ، وَلَا يَسْتَقِيمُ قَلْبُهُ حَتَّى يَسْتَقِيمَ لِسَانُهُ).**^(۲)

ترجمه: ایمان بنده مؤمن درست نمیشود تا آنکه قلبش استوار و مستقیم نشود، و قلب وی به استقامت نمی‌رود تا آنکه زبانش استقامت نداشته باشد.

خلاصه

- زبان نعمت بزرگ خداوند بوده و اهمیت اساسی و حیاتی برای انسان دارد.
- سکوت و خاموشی بهتر از سخنی است که برای انسان عواقب ناگوار بار آورد.
- نگهداری زبان از اخلاق اسلامی و دلیل استقامت انسان است.

ارزیابی

- ۱- "زبان" یکی از نعمتهای بزرگ الهی برای انسان است. چگونه شکر این نعمت را ادا نماییم؟
- ۲- چطور انسان به وسیله زبان بر سایر مخلوقات برتری حاصل نموده است؟
- ۳- آیت ۱۱۴ سورة النساء کدام نوع گفتگوها را نا جایز میداند؟ و به کدام نوع سخنان تشویق میکند؟ توضیح بدهید.
- ۴- احادیث نبوی را که به گفتن سخن خوب و یا سکوت نمودن امر نموده است بخوانید؟
- ۵- "استقامت ایمان به استقامت زبان مربوط است". توضیح بدهید.

کارخانه‌گی

یک مقاله پنج سطری راجع به خوبیها و فواید سکوت و خاموشی بنویسید.

۱- محمد غزالی، خلق المسلم، ص ۸۱

۲- روایت ترمذی.





آداب سخن گفتن (۲)

معاذ بن جبل صحابی جلیل القدر میگوید: از پیامبر ﷺ پرسیدم: آیا بسبب سخنان مان مورد مؤاخذه قرار میگیریم؟ پیامبر خدا فرمودند: "مادرت ترا گم کند ای معاذ! آیا همین گفته‌های زبان نیست که انسانها را روهای شان به طرف دوزخ میکشاند؟"

آفتهای زبان

زبان در ظاهر امر تنها یک پارچه گوشت کوچک است؛ اما نتایج و اثرات عظیم برای صاحبش دارد، و کفر و ایمان به وسیله زبان ظاهر میگردد. بنا بران زبان همانگونه که نعمت بزرگ خداوند است، آفت بزرگی نیز است که سبب هلاکت انسان میشود. بعضی آفتهای زبان از این قرار است: آفت سخن بی مورد، آفت سخن باطل، آفت سخن ریا و تظاهر، آفت خصومت زبانی، آفت سخن فحش و دشنام و بدزبانی، آفت لعنت گفتن به انسان یا حیوان یا جماد، آفت تمسخر و استهزاء، آفت افشای اسرار، آفت وعده خلافی، آفت سخن دروغ و قسم ناحق، آفت غیبت و نیمیت، آفت دو زبانی، آفت مدح کردن و غیره.



فعالیت

شاگردان آفتهای زبان را که در متن فوق ذکر شده نام گرفته به کمک و راهنمایی معلم محترم توضیح بدهند، سپس آنرا در کتابچه‌های خود بنویسند.

دوری از بیهوده گویی

از نظر اخلاق اسلامی اجتناب از سخن هرزه و بیفایده شرط رستگاری و کمال انسان





است. قرآن کریم اجتناب از سخن هرزه را در میان دو رکن اساسی اسلام، یعنی فريضة نماز و فريضة زکات ذکر نموده است؛ چنانچه میفرماید: ﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ، الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ، وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ﴾ [سوره المؤمنون، آیت: ۱-۴].

ترجمه: به راستی که مؤمنان رستگار شدند؛ آنها که در نماز شان خشوع دارند؛ و آنها که از لغو (بیهوده گویی) روی گردانند؛ و آنها که زکات را انجام میدهند. اسلام سخن لغو و بیهوده را مردود میداند؛ زیرا امور پست و بی فایده را نمی‌پسندد. همچنان سخنان بیهوده وقت و عمر انسان را ضایع میسازد و یک انسان مسلمان نباید وقت خود را بدون فایده بگذراند، بلکه از هر لحظه وقت خود باید در جدیت و تولید و انجام کارهای خیر استفاده نماید. به هر اندازه ای که یک انسان مسلمان از لغو و سخن بی مورد دوری گزیند به همان اندازه منزلت وی نزد خداوند بالا میرود. از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده که شخصی وفات نموده بود، یکی از اصحاب در حضور پیامبر اسلام متوفی را به جنت بشارت داد. پیامبر اسلام با شنیدن این سخن فرمود: (أَوَلَا تَدْرِي؟ فَلَعَلَّهُ تَكَلَّمَ فِيمَا لَا يَعْنِيهِ، أَوْ بَحَلَ بِمَا لَا يَنْقُصُهُ).^(۱) یعنی: شما چه میدانید؟ شاید بدون مورد سخنی گفته باشد و یا در آنچه برایش ضرر نداشت بخل ورزیده باشد.

اخلاق اسلامی سخن گفتن بی مورد و بدون ضرورت را اگر چندی که سخن مباح و بصورت مزاح هم بوده باشد نا پسند می‌داند، اما سخنان زیان آور، تمسخر آمیز، بد گویی، غیبت، نیمیت و دیگر آفت‌ها و امراض زبانی را قطعاً حرام دانسته مرتکب آن‌را مورد محاسبه و مؤاخذه سخت قرار میدهد.

خلاصه

- انسان در مقابل هر آنچه از زبان وی سر می‌زند مورد محاسبه و مؤاخذه قرار می‌گیرد.
- آفت‌های زبان بسیار زیاد است که همه صفات زشت را در بر می‌گیرد.





• نگهداری زبان از لغو و سخنان بیهوده و بی فایده از صفات بندگان نیکبخت خداوند است.

ارزیابی

۱. آیا انسان به سبب آنچه که میگوید مؤاخذه می شود؟ دلیل بیاورید.
۲. شاگردان آفت‌های زبان را نام بگیرند.
۳. کسانی که با سخنان بیهوده و مزاح و تمسخر آمیز مجالس مردم را مشغول می سازند. این نوع سخنان بی مورد و بیهوده از نگاه اخلاق اسلامی چه حکم دارد؟
۴. چرا دین مقدس اسلام سخنان لغو و بیهوده را مردود می داند؟
۵. در باره دوری از سخن بیهوده چگونه به آیت قرآنی استدلال می کنید؟





حلم در اسلام

حلم سر لوحهٔ اخلاق است که صاحب خود را به عالی ترین اوصاف و زیبا ترین خصلت‌ها مزین می‌سازد. گذشت و صبر در برابر اذیت و آزار دیگران از جمله صفات است که هر کس شایستگی آنرا ندارد و خداوند متعال، این فضیلت را فقط برای صاحبان حلم ارزانی نموده است.

حلم چیست؟

حلم بمعنای خویشتن داری و انضباط نفس در حالت خشم و غضب، عفو و گذشت در برابر اذیت و آزار دیگران می‌باشد. خداوند متعال به پیامبر اسلام ﷺ امر نموده تا عفو و گذشت را پیشه و شعار خود سازد. چنانچه قرآن کریم می‌فرماید: ﴿حُذِرَ الْعَفْوُ وَأُمِرَ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ﴾ [سورهٔ الأعراف، آیت: ۱۹۹].

ترجمه: عفو پیشه کن و به نیکی فرمان بده و از بی خردان دوری جوی.



آیت مبارکه به سه نوع روش حلم و صبر امر نموده. این روش‌ها کدام‌ها اند؟ صفت حلم، نشانهٔ بارزی است که انسان دارای عقیده راسخ و ایمان محکم را از انسان‌های بی ایمان و غیر متوازن، جدا می‌سازد. یک انسان مؤمن و بزرگ منش به هر اندازه ای که بطرف مدارج کمال حرکت نماید به همان اندازه سینهٔ کشاده پیدا می‌کند، حلم و تحملش افزون می‌گردد و از خطاها و لغزش‌های دیگران می‌گذرد و هرگاه





نابخردی بر او تجاوز نماید، به او از بلندای حلم و خویشتن داری می‌نگرد؛ درست مانند یک فیلسوف حکیم در مقابل کودکانی که بسوی او سنگ پرتاب نمایند و او با بزرگ منشی و برد باری به آنها نگاه می‌نماید.

مشروعیت و منزلت حلم

قرآن کریم در موارد متعددی، خوبی‌ها و فضایل حلم را تقدیر و تمجید نموده و آنرا از صفات خداوند و اسماء حسنی او تعالی بیان نموده است. آیات مبارکه ﴿وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۲۵].

ترجمه: و خداوند آمرزگار بردبار است.

﴿وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾ [البقرة: ۲۶۳].

ترجمه: و خداوند بی نیاز بردبار است.

﴿وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ﴾ [النساء: ۱۲].

ترجمه: و خداوند دانای بردبار است. و دیگر آیات و احادیث نبوی دال بر جایگاه و منزلت حلم در نزد خداوند است؛ همچنان قرآن کریم حلم را از صفات پیامبران معرفی نموده که در مقابل سرکشی‌ها، بیرحمی‌ها و اذیت و آزار پیروان شان از حلم و گذشت و تأنی کار گرفته اند.

خداوند متعال در موارد زیادی به صفات خویشتن داری از خشم و غضب، پیشه نمودن عفو و گذشت و دوری از جاهلان امر نموده و کسانی را که از خطاهای دیگران در گذر می‌شوند، ستایش نموده است. خداوند متعال ابراهیم علیه السلام را به حلم توصیف نموده می‌فرماید:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ﴾ [التوبة: ۱۱۴]

ترجمه: به تحقیق که ابراهیم درد مندی بردبار بود.

به همین قسم، دیگر انبیای کرام، مخصوصاً پیامبر بزرگوار اسلام حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دعوت و برخورد با اقوام و اتباع شان به حلم و برد باری توصیف گردیده اند که حلم ایشان برای همیشه سر مشق مؤمنان و همه انسان‌ها قرار گرفته است.



شاگردان با کمک ورهنمایی معلم محترم راجع به حلم پیامبر اسلام نمونه‌هایی را بیان نمایند.

خلاصه

- حلم سر لوحه اخلاق اسلامی است.
- حلم به معنای خویشتن داری و انضباط نفس در حالت غضب و عفو و گذشت در برابر اذیت دیگران است.
- حلم از صفات خداوند متعال بوده، پیامبران اولو العزم با داشتن حلم مورد مدح و ستایش خداوند جَلَّ جَلالُه قرار گرفته اند.

ارزیابی

- ۱- حلم را چگونه تعریف می‌نمایید؟
- ۲- کدام یک درست است:
 (أ) حلم صفت انسان‌های قوی و زور مند است.
 (ب) حلم صفت انسان‌های ضعیف و بیچاره است.
 (ج) حلم صفت مؤمنان و مردان بزرگ است.
- ۳- در باره حلم و صبر ابراهیم علیه السلام چه میدانید؟
- ۴- اگر مورد خطاب و اهانت جاهلان قرار بگیرید، درمقابل ایشان چگونه بر خورد می‌نمایید؟ در این باره از قرآن کریم استدلال کنید.



در باره فضیلت و فواید حلم یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کمتر نباشد.





نمونه‌هایی از حلم پیامبر ﷺ

حلم واقعی آن است که انسان در وقت قدرت کسی را مورد عفو و گذشت قرار بدهد، اما اظهار حلم و عفو و بخشش در حالت ضعف و ناچاری، حلم گفته نمیشود. عفو و گذشت و بخشش پیامبر اسلام در وقت قوت و قدرت بود که خود بلند ترین مدارج حلم است. زندگی و سیرت پیامبر اسلام مظهر عالی ترین صفات حلم، عفو و بخشش است که در اینجا به چند نمونه آن اشاره می‌کنیم:

حلم با زیر دستان

انس بن مالک روایت میکند که من مدت ده سال شرف خدمت پیامبر اسلام را حاصل نمودم، من جوان نو رس بودم و آنچنان پختگی لازم را نداشتم. در طول این مدت پیامبر اسلام هرگز بمن کلمه "اف" را هم یاد نکرد. و هیچگاهی بمن نگفت که چرا این کار را نمودی؟ و یا اینکه: کاش چنین نمیکردی!^(۱)

حلم در مقابل دشمن

در یکی از غزوات در حالی که پیامبر اسلام در وقفه استراحت زیر سایه درختی راحت گرفته بود، ناگهان یکی از جنگجویان دشمن بنام غورث بن الحارث را با شمشیر برهنه بالای سر خود دید که خطاب به پیامبر خدا چنین گفت: چه کسی ترا از من نجات می‌دهد؟ پیامبر اسلام بدون اندکترین تردد جواب داد: خدا مرا نجات میدهد. در این وقت شمشیر از دست جنگجوی دشمن به زمین افتاد و متعاقبا شمشیر را پیامبر اسلام به دست گرفت و به آن شخص گفت: حالا ترا کی از من نجات خواهد داد؟ جنگجوی دشمن گفت: آرزو دارم بهترین گیرنده شمشیر باشی. پیامبر اسلام فرمود:

۱- سنن ابی داود.



به یگانگی خدا و به رسالت من گواهی بده. آن شخص گفت: من این کار را نمی‌کنم، اما تعهد می‌کنم که در آینده با تو نخواهم جنگید، به تو نمی‌پیوندم و با گروهی که با تو می‌جنگند نیز نخواهم پیوست. پیامبر بزرگوار اسلام وی را رها کرد و آن مرد به جمع همراهان خود شتافت و به آنها گفت: من از نزد بهترین انسانها آمده‌ام. با شنیدن این واقعه گروه زیادی از همراهانش مسلمان شدند و به صف مسلمانان پیوستند.^(۱)

فعالیت

آیا پیامبر اسلام بخاطر ترس، این فرد جنگجوی دشمن را رها نمود؟ شاگردان راجع به این موضوع اظهار نظر کنند.

حلم در برابر عامه مردم

انس بن مالک رضی الله عنه روایت میکند که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در مدینه منوره گشت و گذار می‌کرد، عبای نجرانی دارای حاشیه درشتی بر تن داشت؛ در این وقت یک اعرابی به نزد پیامبر صلی الله علیه و آله پیش آمد و از یخن عبای ایشان گرفته بشدت کش کرد. من به گردن پیامبر صلی الله علیه و آله نظر نمودم که آثار عبای خشن در نتیجه شدت کش کردن اعرابی در گردن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نمایان بود؛ سپس اعرابی به پیامبر اسلام گفت: ای محمد! از مال خدا که در نزد تو است بمن بده. پیامبر اسلام در حالی که با تبسم بسوی اعرابی نظر می‌نمود، امر کرد برایش آنچه حاجت دارد بدهند.^(۲)

فعالیت

شاگردان با رهنمایی معلم محترم در باره برخورد اعرابی و معامله پیامبر صلی الله علیه و آله در مقابل وی، گفتگو و تبادل نظر نمایند.

۱- متفق علیه.

۲- متفق علیه.





خلاصه

- پیامبر اسلام ﷺ نمونه کامل وعالی حلم و شکیبایی است.
- حلم پیغمبر ﷺ و برخورد نیک وی با زیر دستان، در مقابل دشمن، عامه مردم و دیگر عرصه‌های زندگی، الگوی عملی برای مسلمانان است.
- چه بسا که دشمنان سرسخت پیغمبر ﷺ با مشاهده حلم بی مانند آنحضرت به دین مقدس اسلام گرویده اند.

ارزیابی

- ۱- اگر کسی از روی مجبوری و یا نا توانی از تجاوز و اهانت بخود، در گذر شود، حلیم گفته می‌شود و یا چیز دیگری؟
- ۲- برخورد پیامبر اسلام با انس بن مالک، حلم در برابر کدام طبقه را نشان می‌دهد؟
- ۳- جنگجوی دشمن که قصد کشتن پیامبر ﷺ را داشت، ولی پیامبر اسلام وی را آزاد نمود. این برخورد به کدام خصلت پیغمبر ﷺ دلالت می‌کند و چه نتایج داشت؟
- ۴- جنگجوی دشمن دعوت پیغمبر ﷺ را به قبول اسلام نپذیرفت، اما پیامبر اسلام وی را آزاد نمود. این امر در شریعت اسلامی به چه دلالت می‌کند؟
- ۵- آیا عمل اعرابی با این قساوت در مقابل پیامبر اسلام کار درست بود؟
- ۶- آیا پیامبر اسلام در حال زیر فشار بودن به اعرابی کمک مالی نمود یا چطور؟

کارخانه‌گی

در باره ضرورت حلم برای یک شاگرد در مکتب و خانه، مقاله پنج سطری بنگارید.



دوست و همنشین صالح

دوستی و الفت ثمره اخلاق خوب و تفرقه ثمره اخلاق بد است. حسن اخلاق، دوستی و همدلی بار می آورد و سوء اخلاق سبب عداوت و جدایی می گردد. پس به هر اندازه ای که درخت اخلاق سبز و متعالی گردد، بهمان مقدار ثمره گوارا می دهد که عبارت از الفت و محبت و همدلی میان انسانها می باشد.

همنشین صالح نعمت خداوند است

دوست خوب و همنشین صالح نعمتی است که خداوند برای بنده گان محبوب خود نصیب می گرداند. پیامبر اسلام دوست و همنشین خوب را از نعمتهای بزرگ خداوند معرفی نموده و می فرماید: "کسی را که خداوند اراده خیر نماید، بوی دوست و همنشین صالح نصیب می کند که هرگاه (کاری را) فراموش نماید وی را تذکر دهد و اگر به یاد آورد، وی را یاری رساند".^(۱)



فعالیت

اگر در صنف و یا مکتب یک دوست خوب داشته باشید، به وی چگونه کمک می کنید؟ و از آن دوست خود چه توقع دارید؟
دوست و همنشین صالح همانطور که در دنیا نعمت خداوند و سبب کامیابی و خوشحالی انسان است، در آخرت نیز وسیله تقرب درگاه الهی و نایل شدن به نعمتهای خداوندی می باشد؛ "کسی که شخصی را به برادری در راه خدا بر گزیند، خداوند وی را در بهشت به درجه ای نایل می گرداند که آنرا به هیچگونه عمل دیگر خود بدست نمی آورد".^(۲)

۱- أبو حامد الغزالي، أحياء علوم الدين.

۲- همان مرجع.





انسانها به دوستان و همنشینان شان شناخته میشوند. انسانهای خوب با مردمان خوب و صالح همنشینی و دوستی می کنند و بر عکس اشخاص نا سالم با مردمان نا سالم دوستی و همنشینی می نمایند. پیامبر اسلام ﷺ می فرماید: **(الْمَرْءُ عَلَى دِينِ خَلِيلِهِ فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ مَنْ يُخَالِلُ)**^(۱). آدم بر دین دوست و همنشین خود می باشد، لهذا هر یک از شما بیندیشد که با کی دوستی کند.



به اساس کدام معیارها و مواصفات دوست و همنشین برای خود انتخاب می نمایید؟ شاگردان توضیح بدهند و هر شاگرد معیارهای انتخاب شده را در کتابچه خود بنویسد.

خلاصه

- دوست خوب و همنشین صالح یکی از نعمتهای خوب و بزرگ خداوند برای انسان است.
- صفت دوست و همنشین نیک این است که کارهای خوب را برای انسان یاد آوری نماید، و در کارهای معروف و خوب با انسان کمک و یاری رساند.
- انسانها با دوستان شان شناخته می شوند، پس باید انسان خوب فکر نماید که چه کسی را دوست و همنشین خود انتخاب می کند.

ارزیابی

- ۱- "دوست و همنشین خوب نعمت خداوند است" در این مورد از قرآن و حدیث استشهاد نمایید.
 - ۲- چگونه دوست خوب را انتخاب می کنید؟
 - ۳- همنشین بد و نا سالم چگونه به انسان ضرر می رساند؟
 - ۴- پیامبر اسلام دوست خوب را بحیث چی معرفی نموده است؟
 - ۵- دو صفت دوست صالح را که در حدیث شریف وارد شده است بیان نمایید.
- ۱- سنن ابی داود- ۴۸۳۵.





فواید همنشین خوب

پیامبر بزرگوار اسلام فرموده است:

"مثل همنشین صالح مانند دارندهٔ مشک و یا عطر است که یا آنرا خریداری میکنی و یا بوی خوب آن بمشامت می‌رسد. و مثل همنشین بد مانند کورهٔ آهنگری است که یا جسم و لباسهات را می‌سوزاند و یا از بوی ناپاکش متضرر می‌شوی".

هر انسان برای دوستی مناسب نیست

زمانیکه دو برادر مسلمان با هم ملاقات مینمایند مانند دو دست اند که یکدیگر را شستشو مینمایند. و دو مؤمن با هم روبرو نمیشوند مگر اینکه حتما خداوند یکی را از دیگری خیر نصیب می‌کند.

هر انسان برای دوستی و همنشینی مناسب نیست. انسان عاقل وقتی که کسی را برای دوستی و همنشینی انتخاب می‌کند، بر وی لازم است تا شخصیت، اوصاف و سلوک آن شخص را مورد مطالعه قرار بدهد. بهترین دوست و همنشین آن است که برای رضای خداوند تعالی انتخاب شود که هم در دنیا و هم در آخرت برایش فایده برساند.

حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه در مورد ضرورت انتخاب دوست بر اساس دینداری می‌فرماید: "دوستان و برادران صادق را انتخاب کن تا در کنار شان زندگی نمایی؛ چرا که این نوع دوستان در وقت عافیت و خوشی، زینت و در وقت مصیبت یار و همکار تو اند".

امام غزالی می‌گوید: "کسی را که برای دوستی و همنشینی می‌گزینی، باید اوصاف و خصلتهای پنج گانهٔ ذیل در وی وجود داشته باشد: عاقل باشد، دارای اخلاق پسندیده باشد، فاسق نباشد، بدعت کار نباشد، به دنیا حریص نباشد".

اوصاف همنشین خوب

یکی از علمای اسلام^(۱) حین وفاتش به فرزند خود راجع به انتخاب دوست چنین توصیه

۱- علقمة العطاردی





می‌نماید: "فرزندم! در گزینش دوست، کسی را انتخاب کن که هرگاه وی را خدمت کنی پاسدار باشد و هرگاه با وی صحبت نمایی زینت بخش مجلس است و هرگاه محتاج شوی تو را یاری رساند. دوستی را برگزین که هرگاه به کار خیری دست دراز کنی دستت را تقویت کند و هرگاه نیکی از تو ببیند آنرا حساب نماید و اگر بدی از تو سرزند به اصلاح آن بکوشد. همنشینی گزین که هرگاه از وی چیزی طلب نمایی به تو ببخشد و اگر سکوت نمایی به صحبتت سبقت کند و اگر به مصیبتی رو برو شوی به دلجویی ات بپردازد. همنشینی انتخاب کن که هرگاه سخن بگویی ترا تصدیق نماید و اگر به کاری اقدام نمایی به تو اقتدا کند و هرگاه نزاع نمودید رأی ترا ترجیح دهد."^(۱)

خلاصه

- پیامبر اسلام ﷺ دوست و همنشین خوب را برای انسان مانند مشک و یا عطر تشبیه نموده اند که در هر حالت فایده و اثر نیک آن به انسان می‌رسد.
- بهترین دوست آن است که بر اساس دین و ایمان انتخاب شود.

ارزیابی

۱. پیامبر اسلام همنشین را به عطر و کوره آهنگر تشبیه نموده است، مفهوم این تشبیه را توضیح نمایید؟
۲. اساس دوستی و همنشینی از نظر اسلام چیست، توضیح بدهید؟
۳. حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه در باره انتخاب همنشین خوب چه توصیه نموده اند، مختصراً توضیح دهید.
۴. امام غزالی پنج صفت را در انتخاب دوست و همنشین ضروری دانسته. این پنج صفت را نام بگیرید.

کارخانه‌گی

در باره فواید و اوصاف دوست و همنشین صالح یک مقاله بنویسید که از چهار سطر کمتر نباشد.

۱- ابوحامد الغزالی، احیاء علوم الدین





نیکی به پدر و مادر

نزدیک ترین شخص برای یک انسان چه کسی می‌باشد؟ یک طفل نو زاد توسط کی ودر آغوش چه کسی پرورش میابد؟ چرا پدر و مادر تان را دوست دارید؟ حقوق والدین در اسلام و دیگر ادیان و فرهنگها چه فرق دارد؟ آیا حقوق پدر و مادر را ادا می‌نمایید؟ نیکی به پدر و مادر (برالوالدین) و ضد آن بنام (عقوق الوالدین) خوانده می‌شود. نیکی به پدر و مادر به این ترتیب ادا می‌شود که با آنها محبت صورت گیرد، احترام و قدر دانی شوند، دلسوزی نسبت به آنها باشد، سخن شان قبول گردد، و هر چیزی که توسط آن رضایت ایشان حاصل می‌شود انجام یابد، و بعد از مرگ ایشان در حق ایشان دعا شود، به آنها طلب عفو و آمرزش صورت گیرد، وعده‌ها و توصیه‌های ایشان بجا گردد و دوستان آنها مورد احترام و قدر دانی قرار گیرند. خداوند متعال در مورد نیکی نمودن به پدر و مادر می‌فرماید:

﴿وَاعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِالْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ مُخْتَلًا فَخُورًا﴾ [النساء/۳۶].

ترجمه: خدا را بپرستید، و هیچ چیزی را به او شریک نسازید، و به پدر و مادر نیکی کنید، همچنین به خویشاوندان و یتیمان و همسایه نزدیک (صاحب قرابت) و همسایه دور، و دوست و همنشین، و مسکینان و واماندگان در سفر، و بردگانی که مالک آنها هستید، نیکی کنید؛ زیرا که خداوند کسی را که فخر فروش و متکبر باشد دوست نمی‌دارد.

در جای دیگر خداوند متعال فرموده:

﴿وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ





كَلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا أَفٍّ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا، وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا ﴿٢٣-٢٤﴾ [الاسراء: ٢٣-٢٤]

ترجمه: و پروردگارت حکم نموده که جز او کسی را نپرستید، و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن و یا هر دوی آنها نزد تو به سن پیری رسند کمترین اهانتی به آنها روا مدار، و بر آنها فریاد مزن، و گفتار سنجیده و بزرگووارانه به آنها بگو. و بالهای تواضع خویش را از محبت و لطف در برابر آنها فرود آر، و بگو: پروردگارا! همانگونه که آنها مرا در کوچکی تربیت کردند، ایشان را مشمول رحمت خویش بگردان.

پیامبر ﷺ احسان به پدر و مادر را از بزرگترین اعمال و محبوب ترین آن به نزد خداوند دانسته است. از عبد الله بن مسعود رضی الله عنه روایت شده که از پیامبر ﷺ پرسیدم: ﴿أَيُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟﴾ قَالَ: (الصَّلَاةُ عَلَى وَفَّيْهَا، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: ثُمَّ بِرُّ الْوَالِدَيْنِ، قَالَ: ثُمَّ أَيُّ؟ قَالَ: الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ) ^(۱)

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه روایت نموده که از پیامبر ﷺ پرسیدم: کدام عمل به نزد خداوند محبوب است؟ پیامبر ﷺ فرمودند: ادای نماز به وقت آن، گفتم: باز کدام کار؟ فرمودند: نیکی به پدر و مادر، گفتم: باز چه؟ فرمودند: جهاد در راه خدا عَلَيْهِ السَّلَام. از آنجا یکه مادر برای یک انسان در وقت خیلی نا توانی و نیازمندی کمک می‌رساند، و زحمات زیادی را برای وی متحمل می‌گردد، بناء در اسلام به حقوق وی ترجیح و اولویت داده شده است. شخصی به پیغمبر ﷺ گفت: (يَا رَسُولَ اللَّهِ! مَنْ أَحَقُّ النَّاسِ بِحُسْنِ صَحَابَتِي؟ قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أُمُّكَ، قَالَ: ثُمَّ مَنْ؟ قَالَ: ثُمَّ أَبُوكَ) ^(۲).

ترجمه: ای پیامبر خدا! چه کسی از مردمان برای همنشینی و خدمت گذاری مستحق تر است؟ پیامبر خدا فرمودند: مادرت، آن شخص پرسید: باز چه کسی؟ فرمودند: باز هم مادرت، آن شخص گفت: باز چه کسی؟ فرمودند: باز هم مادرت، آن شخص پرسید: باز چه کسی؟ فرمودند: باز پدرت.

۱- رواه البخاری

۲- رواه البخاری





چگونه به پدر و مادر برخورد و معامله نیک کرده می‌توانیم؟ هر شاگرد یک نمونه ذکر نماید.

مثلاً: من سخن پدر و مادرم را قبول می‌کنم. من با پدر و مادرم در کارهای خانه کمک می‌کنم.

خلاصه

- هیچ دین و آیینی مانند اسلام مقام والدین را ارج نگذاشته است.
- قرآن کریم ذکر والدین و خدمت به ایشان را بعد از توحید خداوند و حقوق او تعالی بیان نموده است که این امر به جایگاه عالی مقام والدین در دین مقدس اسلام دلالت دارد.
- پیامبر اسلام ﷺ در حدیث نبوی حقوق والدین و خدمت به ایشان را در ردیف ادای نمازهای فرضی در وقت آن و جهاد در راه خدا تأکید فرموده اند.

ارزیابی

۱. چرا دین اسلام به نیکی کردن به پدر و مادر، خویشاوندان، همسایگان و دیگر مردم حکم کرده است؟ هرگاه مردم با یکدیگر بجای نیکی بدی نمایند، چه واقع خواهد شد؟
۲. با پدر و مادر چگونه نیکی صورت می‌گیرد؟ در زندگی با ایشان چه باید شود، و بعد از مرگ شان چگونه نیکی به آنها باید صورت گیرد؟
۳. در باره نیکی و احسان به پدر و مادر از قرآن و سنت دلیل بیاورید.
۴. چرا مادر نسبت به همه مستحق برّ و نیکی است؟ در این مورد دلایل عقلی و نقلی ذکر نمایید.





حدیث زیر را یاد نمایند و آنرا با معنایش با خط زیبا در کتابچه‌های خود بنویسید.
قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ (رَغِمَ أَنْفُهُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ، ثُمَّ رَغِمَ أَنْفُهُ، قِيلَ : مَنْ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟ قَالَ :
مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ عِنْدَ الْكِبَرِ أَحَدَهُمَا أَوْ كِلَيْهِمَا ثُمَّ لَمْ يَدْخُلِ الْجَنَّةَ).



صله رحم

انسان توانایی تنها زیستن و جدا بودن از جامعه را ندارد؛ ناگزیر است با دیگران زیست نماید و با هم‌نوعان خود رابطه داشته باشد. مراتب این روابط چگونه است؟ و انسان مؤمن در حفظ و تحکیم این روابط چه مکلفیت دارد؟ و اثرات آن در جامعه چیست؟ برای اینکه انسان زندگی خوب داشته باشد و از ضرر و آسیب دیگران در امان بماند، بر وی لازم است در جامعه عنصر مفید باشد، با مردم روابط نیک برقرار نماید تا همه مردم در عدل، خوشحالی و نیکبختی زندگی نمایند. و اگر چنین نباشد، مانند: حیوانات جنگل در ترس خواهند بود، هیچ کس با اطمینان از نعمت‌های دست داشته خود بهره گرفته نمی‌تواند و مردمان یکی برای دیگری منبع و مصدر ترس و مشکلات می‌باشند. از همین جهت پیامبر ﷺ می‌فرماید: **(لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ حَتَّى يُحِبَّ لِأَخِيهِ مَا يُحِبُّ لِنَفْسِهِ)**^(۱)

ترجمه: یکی از شما مؤمن واقعی و کامل شده نمی‌تواند تا آنکه برای برادر خود دوست بدارد آنچه را که برای خود دوست می‌دارد. اما چون روابط انسانها با یکدیگر از لحاظ عمق و گسترش و نزدیکی و دوری فرق دارد، دین اسلام نیز در میان ایشان در حقوق و ترتیب اولویت‌ها فرق گذاشته است. این اولویتها به ترتیب حقوق پدر و مادر، حقوق اقارب، حقوق همسایگان، حقوق مسلمانان و حقوق عامه انسان‌ها به همین اساس برقرار گردیده است. پدر و مادر نسبت به هر کس دیگر حق دار تر اند، به همین ترتیب اقارب ورشته داران، همسایگان و عامه مسلمانان و کافه انسان‌ها حقوق و مکلفیت دارند.

بعد از پدر و مادر، اقارب و رشته داران دیگری مانند: پدر کلان، فرزندان، برادران، خواهران، ماماها، برادر زاده‌گان، کاکاها و دیگر افراد قوم و قبیله، حقوق رشته داری





وقرابت دارند. در مورد این رشته داران حقوق ایشان به دو قسم انجام می‌شود:

اول: صلۀ رحم در حقوق واجبی مانند نفقه، حصۀ میراث ایشان و غیره که این نوع حقوق بالای مسلمان ضروری و ادای آن لازم است که در صورت عدم ادای آن مستحق عذاب می‌شود.

دوم: صلۀ رحم در حقوق مستحب که به نگهداری و بجا نمودن این نوع حقوق مستحق ثواب می‌گردد، مثل این قول پیامبر ﷺ که فرمودند: **(الصَّدَقَةُ عَلَى الْمِسْكِينِ صَدَقَةٌ وَهِيَ عَلَى ذِي الرَّحْمِ ثُنْتَانِ صَدَقَةٌ وَصَلَةٌ).**

ترجمه: دادن صدقه به شخص مسکین تنها صدقه است، ولی به رشته دار و اقارب صدقه و صلۀ رحم هردو است.

حفظ صلۀ رحم در مناسبت‌های مختلف با اقارب و رشته داران، در حالات مصیبت با آنها غم شریک شدن، در حالات خوشی با آنها با پیشانی باز و خوشحالی شریک شدن، در حالات مشکلات ایشان را کمک نمودن، با آنها محبت و دلسوزی کردن و کارهایی از این قبیل است.

خداوند متعال در بارۀ قطع صلۀ رحم و بی‌پروایی نسبت به آن چنین فرموده است: **﴿فَهَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ تَوَلَّيْتُمْ أَنْ تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَتَقَطُّعُوا أَرْحَامَكُمْ، أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ فَأَصَمَّهُمْ وَأَعَمَّى أَبْصَارَهُمْ﴾** [محمد: ۲۲-۲۳]

ترجمه: پس آیا از شما توقع میشود که اگر شما را قدرت داده شود آنکه فساد کنید در روی زمین و قطع کنید رشته داری‌های خود را؟! (آری!) آنها کسانی هستند که خداوند از رحمت خویش دور شان ساخته، گوشه‌هایشان را کر و چشمهایشان را کور کرده است.

شخصی به رسول الله ﷺ گفت: چیزی را برای من خبر بدهید که مرا به جنت داخل سازد و از آتش دوزخ نجات دهد، پیامبر ﷺ در جواب به ایشان فرمودند: **(تَعْبُدُ اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُ بِهِ شَيْئًا، وَتُقِيمُ الصَّلَاةَ، وَتُؤْتِي الزَّكَاةَ، وَتَصِلُ الرَّحِمَ)** ^(۱).

ترجمه: خدا را عبادت کن و چیزی را به وی هم‌تا و شریک نگردان، و نماز را بجا آر، و





زکات را ادا کن، و صلۀ رحم را نگهدار.

در حدیث دیگری چنین آمده است: کسی که بخواهد عمرش دراز و روزی اش فراوان شود، پس رابطه نیکش را با رشته داران و اقارب خود نگهداری نماید. اما باید توجه داشت که بنام حفظ و نگهداری حقوق اقارب و رشته داران حقوق دیگران را پامال نمودن، اقارب و نزدیکان را در امور اجتماعی نسبت به دیگران مقدم ساختن، و یا اینکه به ناحق و نا روا با ایشان کمک نمودن وامثال اینها در جمله حقوق رشته داران و صلۀ رحم نمی آیند، بلکه تعصب نا مشروع بوده و جواز ندارد.



فعالیت

شاگردان در کتابچه های خود یک حالت حفظ صلۀ رحم مشروع، و همچنین یک حالت رشته داری از روی تعصب و بی عدالتی نا جایز را بنویسند، سپس آنرا به نوبت به دیگران بخوانند.

خلاصه

- انسان ضرورت دارد همراه با دیگران زندگی کند و برای اینکه میان انسانها فضای اعتماد و اطمینان بر قرار شود باید انسان، عنصر مفید و مؤثر در میان هموعانش قرار گیرد.
- اخلاق اسلامی حکم می کند که انسان آنچه برای خود دوست دارد، برای برادر مؤمن خود نیز دوست داشته باشد.
- اسلام درجات و حقوق اقارب و رشته داران را ترتیب و تنظیم نموده که مراعات آن صلۀ رحم اسلامی گفته می شود.
- حفاظت صلۀ رحم در اسلام سبب کسب اجر، ثواب، دخول جنت و نجات از آتش جهنم می گردد.
- تأکید اسلام به حفظ و رعایت صلۀ رحم به معنای آن نیست که انسان مؤمن باغیر





اقارب خود نیکی نکنند، و یا اقارب و خویشاوندان را بر دیگران در حقوق و واجبات اجتماعی ترجیح دهد.

ارزیابی

۱. اقارب و رشته دار چه کسی را می‌گویند؟
۲. حفظ رشته داری در کدام امور انجام می‌یابد؟
۳. حقوق لازمی رشته داران چند نوع است؟
۴. در باره حفظ حقوق رشته داران از قرآن و سنت دلیل بیاورید.
۵. در امور عامه، اقارب و رشته داران خود را بر دیگران مقدم ساختن چه حکم دارد؟



کارخانه گی

"در امور ناجایز کمک به رشته داران ناروا است". در این باره یک مقاله بنویسید که کمتر از چهار سطر نباشد.





آداب فراگیری علم

یاد دادن و یاد گرفتن یا تعلیم و تعلم آدابی دارد که باید ازسوی آموزنده‌گان و آموزگاران مراعات گردد، تا برکات و ثمرات دلخواه را ببار آورد.



فعالیت

شاگردان راجع به آداب فراگیری علم بطور خلاصه نظر بدهند.
برخی آدابی که باید متعلم در فراگیری علم و دانش در نظرگیرد و به آنها پای بند باشد ازینقرار است:

۱- پاکیزه سازی درون از اخلاق ناپسند: برخی از عالمان دین گفته اند همانگونه که ادای نماز بدون طهارت ظاهر درست نیست، یادگیری علم نیز که یک نوع عبادت است، بدون طهارت باطن درست نمی‌باشد. کسی که از درون به انواع رذایل و آفتهای روانی و اخلاقی گرفتار باشد، حتی اگر به فراگیری علم موفق هم شود، از آن بهره ای نخواهد برد جز استفاده ناجایز و استعمال نا درست از آنچه فرا گرفته است. مولانای روم گفته است:

بدگهر را علم و فن آموختن دادن تیغ است دست راهزن
پس باید کسی که گام در راه کسب دانش می‌گذارد از نخست به اصلاح و تهذیب باطن خویش توجه کند تا سینه اش ظرف پاکیزه و مناسبی برای گردآوری حکمت و معرفت باشد. به گفته حافظ شیرازی:

گـوهر پاک بـباید که شود قابل فیض ورنه هر سنگ و گلی لؤلؤ و مرجان نشود





۲. **کاستن از اشتغال خاطر به امور دنیوی:** یعنی نمی توان هم به اندوختن علم کمر بست و هم به گرد آوردن سرمایه مادی کوشش کرد؛ البته نوعی تلاش برای رفع نیازهای زندگی عیبی ندارد، ولی حرص و آزمندی و تلاش و بی خوابی برای جمع سرمایه، با یاد گیری علم و تحصیل دانش، به شکل صحیح آن، ناسازگار است، خداوند عز و جل فرموده است: ﴿مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ﴾. [الأحزاب: ۴]

ترجمه: خداوند برای هیچ کس دو دل در درونش نیافریده.

از این دانسته می شود که نمی توان در یک زمان به دو یا چند چیز به یک اندازه اهمیت داد، اگر کسی همتش را به سرمایه دار شدن معطوف ساخته است باید امیدی به عالم شدن نداشته باشد، و اگر می خواهد عالمی موفق باشد باید مشکلات مادی و کمبود سرمایه دنیوی را تحمل کند؛ زیرا عالم شدن به آسانی امکان پذیر نیست. سنایی غزنوی چه خوب گفته است:

عمرها باید که تا یک کودکی از لطف طبع

عالمی گردد نکو یا شاعری شیرین سخن

۳- **تواضع و فروتنی در مقابل استاد:** تکبر از هر کس و در هر جا زشت و ناروا است، اما در برخی اوقات و در برابر برخی اشخاص زشتی و قباحات کبر و غرور مضاعف می گردد؛ یکی از این موارد تکبر در مقابل استاد است. استاد کسی است که می خواهد از خمیرمایه وجود آدمی انسانی دیگر بسازد، و به همین دلیل او را پدر معنوی می گویند. رفتار متکبرانه و غیر مؤدبانه در برابر استاد سبب محروم ماندن شاگرد از برکات تعلیم می گردد، و برعکس، حفظ احترام و تواضع در برابر معلم، سبب برکت و موفقیت شاگرد خواهد شد.

۴- **دوری گزیدن از امور اختلافی:** کسانی که در عرصه های علمی تبحر حاصل کرده اند می دانند که در بسیاری زمینه ها نظریات متعدد و دیدگاه های گوناگونی وجود دارد، و این البته در ذات خود پدیده ای نیکو است، زیرا از تنوع اندیشه ها است که دانش پویایی و بالندگی پیدا می کند، اما برای شاگردان مبتدی بهتر است که وارد مباحث اختلافی نشوند و به یادگیری موضوعاتی که محل اتفاق است بسنده کنند، زیرا امور





اختلافی می‌تواند سبب تحیر و سردرگمی شاگردان مبتدی گردد و اشتیاق ایشان به یادگیری علم را تقلیل بخشد.

۵- آشنایی اجمالی با همهٔ علوم: هرچند با گذشت زمان دانشها تکثر و تنوع بیشتر پیدا می‌کنند، وامکان تخصص و احاطه بر همهٔ آنها ممکن نیست، و برای آنکه شاگرد گرفتار ملال نشود و از گسترده‌گی عرصه‌های دانش به ستوه نیاید، بهتر است که در مراحل آغازین با همهٔ انواع دانش آشنایی مختصر و اجمالی پیدا کند، سپس از آن میان، عرصه‌ای را جهت تخصص برگزیند. انتخاب رشتهٔ تخصصی باید با در نظر گرفتن اولویت باشد؛ اولویت گاهی به حسب استعداد و سلیقهٔ شاگرد معین می‌گردد و گاهی بر حسب نیاز جامعه، و گاهی دیگر نیز به اساس فراهم بودن امکانات و زمینه‌های فراگیری.



فعالیت

هریک از شاگردان خاطرهٔ کوتاهی دربارهٔ نحوهٔ مراعات ادب در برابر استادانش را در صنف بیان کند.

خلاصه

- آموختن علم نوعی عبادت است، پس برای فراگیری علم، پاکی و طهارت ظاهری و باطنی ضروری می‌باشد.
- برای فراگیری علم، باید خود را از اشتغالات دنیوی فارغ نمود.
- مراعات تواضع و فروتنی در مقابل استاد یکی از شرایط آموختن علم است.
- دانشجوی ابتدایی، باید تا حد زیادی از امور اختلافی دوری گزیند.
- دانشجو، باید تا اندازهٔ ضرورت به اساسات و مبادی سایر علوم آشنایی پیدا نماید.





ارزیابی

۱. شعر مولانای روم چه مفهومی را می‌رساند؟
۲. حرص و آزمندی در امور دنیوی چه تأثیری بر تحصیل علم دارد؟
۳. چرا به استاد پدر معنوی گفته شده است؟
۴. چرا باید شاگردان مبتدی از پرداختن به امور اختلافی پرهیز کنند؟
۵. تواضع و فروتنی در تحصیل علم چه اثر دارد؟
۶. مهمترین آداب فراگیری علم را چنانچه در این درس خواندید، نام بگیرید.



رشته ای که می‌خواهید در آینده به شکل تخصصی فرا بگیرید بیان داشته و دلایل انتخاب آن را نیز طی چند سطر بنویسید.





آداب فراگیری علم (۲)

در درس گذشته پنج مورد از آداب فراگیری علم را بیان کردیم، در این درس به ذکر و توضیح آداب دیگری می‌پردازیم.

۶- ترتیب یادگیری علوم: زیرا نمی‌توان در یک زمان به یادگیری همه مضامین پرداخت، چرا که برخی مضامین در دشواری و آسانی با برخی دیگر متفاوت اند، همچنان طبیعت برخی مضامین با برخی دیگر فرق دارد، و یادگیری همزمان یکایک رشته‌ها، کار را بر شاگرد دشوار می‌سازد.

۷- پرداختن به هر فن ورشته پس از تکمیل فنون ورشته‌های پیشین: چرا که ناقص ماندن رشته‌های قبلی یا نا آگاهی آنها می‌تواند احیاناً بر فراگیری رشته‌های بعدی تأثیر گذار باشد، همچنان گاهی میان آنها نوعی پیوند زنجیره‌ای برقرار است و فهمیدن یک مضمون بستگی به فهم مضمون پیشین دارد. در نظر نگرفتن این اصل، سبب اختلال در روند یادگیری می‌گردد.

۸- پی بردن به اهمیت و اعتبار هر علم: زیرا اگرچه هر دانشی در جای خود ارزنده و سودمند است، ولی با نتایجی که بر یادگیری هر کدام مترتب است و کاربردی که هر یک دارد، ارزش آنها از یکدیگر تفاوت می‌یابد. برخی دانشها برای بخش اندکی از مردم فایده می‌رساند و برخی دانشها به بخشهای گسترده‌ای از جامعه سودمند است. همچنان برخی دانشها نیازهای زود رس و حاد جامعه را برآورده می‌سازد و برخی دانشها نیازهای درجه دوم را؛ بنا بر این بهتر است شاگرد به میزان ارزش و سودمندی هر دانشی که فرا می‌گیرد آگاه باشد.



۹- در نظر داشتن رضای الهی در تحصیل علم: زیرا فراگیری علم عبادت است و عبادت زمانی پذیرفته درگاه الهی میشود که خالص برای او انجام شود. این درست است که از هردانش یک هدف عاجل مقصود است، مانند درمان بیماران در رشته طب و سر و سامان دادن به وضعیت مالی جامعه در علم اقتصاد، ولی علاوه بر آن، هریک از رشته‌های یادشده می‌تواند وسیله‌ای برای کسب رضای الهی گردد مشروط به اینکه با نیت نیک همراه شود و با صداقت و درستی به انجام رسد و از غل و غش پاکیزه بماند.

توجه داشتن به این نکته ضروری است که هر مضمون یا رشته‌ای که فرا می‌گیرد به چه پیمانه او را به هدف نهایی که رضای الهی و سعادت اخروی است نزدیک می‌گرداند، و آیا این امیدواری قوی است یا ضعیف. و آیا این احتمال نیز وجود دارد که آن مضمون یا رشته به جای نیل به رضای الهی، سبب خشم و ناخشنودی آفریدگار متعال گردد؟ زیرا در اثر بی‌توجهی به چنین اصولی بوده است که دانش در خدمت اهداف غیر انسانی و ویرانگر قرار گرفته و در راههای غیر اخلاقی و تباهی آور به کار گرفته شده است؛ و گاهی وسیله‌ای بوده است در جهت استعمار کردن توده‌های مظلوم و ملتهای فقیر، و گاهی ابزاری شده است در جهت به خاک و خون کشیدن انسانهای بیگناه. هرگاه شاگرد آداب یادشده را در مسیر تحصیل در نظر گیرد و کوشش کند به مقتضای آنها عمل کند، امید می‌رود درس و تحصیل وی با برکت همراه گردد و ثمرات ارزنده‌ای به دنبال آورد؛ چنانکه دانشمندان پیشین و علمای سلف چنین بوده اند.



معلم صاحب شاگردان را به چند گروه تقسیم کند و از آنان بخواهد هرگروه مضامینی را که می‌خوانند بر اساس میزان ارزش و سودمندی ترتیب و دسته بندی کنند.





خلاصه

- ترتیب اولویات در آموزش و فراگیری علم باید مراعات شود.
- پرداختن به هرفن ورشته بعد از تکمیل فنون ورشته‌های قبلی.
- فهم و تشخیص ارزش و اعتبار هر رشته علمی برای جامعه.
- خلوص نیت و رضای خداوند متعال در طلب علم.

ارزیابی

- ۱- چرا باید دریادگیری علوم ترتیب را درنظر گرفت؟
- ۲- تکمیل نکردن رشته‌های پیشین چه تأثیری بر روند یادگیری دارد؟
- ۳- آیا ارزش همه مضامین و رشته‌ها یکسان است؟
- ۴- چگونه یک رشته علمی وسیله ای برای کسب رضای الهی می‌گردد؟
- ۵- چرا گاهی دانش سبب تباهی و ویرانی گردیده است؟
- ۶- نقش اخلاق در تطبیق و عملی ساختن رشته‌های علمی چیست؟

کارخانه‌گی

مطلب کوتاهی درباره آن دسته از دانشها که به بخشهای گسترده ای از جامعه فایده می‌رساند، بنویسید.



صدق و راستی

حقیقت راستی

پای بندی به راستگویی و چنگ زدن به راستکاری از پایه‌های استوار اخلاق اسلامی است. این ویژگی اخلاقی سبب بالا رفتن منزلت انسان مسلمان در پیشگاه خالق و هم در نگاه مخلوق می‌گردد.

انسان راستگو با مواظبت و پایداری بر این خصلت شایسته سرانجام به مقام صدیقان می‌رسد. صدیقان کسانی هستند که از همهٔ بندگان نیکو کار خداوند بجز پیامبران، درجهٔ بالاتر دارند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرموده است: راستی را از دست ندهید! زیرا راستی راه به نیکوکاری، و نیکوکاری راه به بهشت می‌برد، و شخصی که پیوسته راست می‌گوید و راستگویی را پیشهٔ خود می‌کند سرانجام در نزد خداوند در شمار صدیقان نوشته می‌شود... و بهره‌یزید از دروغ! چرا که دروغگویی به فجور می‌انجامد و فجور به آتش دوزخ می‌کشاند، و شخصی که پیوسته دروغ می‌گوید و دروغگویی را تعقیب می‌کند در نزد خداوند دروغگوی نوشته می‌شود.^(۱)



فعالیت

ضد راستی چیست؟ شاگردان نمونه‌هایی از راستی و ضد آن را ذکر نمایند و اثرات این دو صفت را در جامعه بیان کنند.

۱- امام بخاری.





مظاهر و اشکال راستی

۱- واضح ترین مفهوم راستی مربوط به سخن گفتن است. راستی در این جا به این معنی است که آنچه شخص خبر می دهد مطابق با واقع باشد و از گفتن آنچه خلاف آن است خود را باز دارد. دروغگو در این مفهوم کسی است که سخنانش مطابق با واقع نباشد.

۲- مفهوم دیگر راستی مربوط به نیت و انگیزه است. هنگامی که انسان به انجام کاری نیت می کند باید انگیزه اش را از تمایلات ناروا پاک سازد تا کارش صادقانه و خالص به انجام رسد.

۳- وفا کردن به عزم و تصمیم، یکی دیگر از مفاهیم راستی این است که انسان گاه بنابر فطرت خدا دادی و گاهی بنابر ترغیب شدن به کار خیر و آگاه شدن از فضایل آن اراده به انجام کارهای نیک می کند، اما هنگامی که لحظه کمر بستن به آن، فرا می رسد سستی به خرج می دهد و از عمل به آن سر باز می زند، این کار خلاف راستی است. داشتن عزم و اراده راستین به کارهای نیک در مفهوم راستی شامل است.

۴- مطابقت میان اعمال ظاهر و احوال باطن شامل مفهوم راستی می باشد. یعنی نباید اعمال بیرونی انسان بر چیزی دلالت کند که وی در باطن به آن متصف نباشد. تلاش در جهت هماهنگی میان ظاهر و باطن یکی از مفاهیم و مظاهر راستی است. اگر کسی خود را در ظاهر شجاع یا سخی بنمایاند و در باطن آن چنان نباشد، آن ظاهر دروغین خلاف واقعیت باطنی اوست، و این خلاف راستی می باشد.

عالی ترین درجه راستی

بالاترین درجات راستی صادق بودن در خصال ایمانی و مقامات دینی مانند محبت خداوند ﷻ، ترس از او، توکل بر او، رضا و خشنودی در برابر او و امید به فضل و احسان او تعالی می باشد. رسیدن به حقیقت هریک از این مقامات و مراعات مقتضای هر کدام، کاملترین مفهوم راستی است.





عواقب زشت دروغگویی

انسانی که از راستی فاصله می‌گیرد و به دروغ روی می‌آورد، ارزش خود را در نظر اسلام، از دست می‌دهد. حضرت عائشة رضی الله عنها گفته است هیچ عادتِ درنزد رسول ﷺ بدتر از دروغگویی شمرده نمی‌شد، و اگر پیامبر ﷺ به دروغ کسی پی می‌برد، اعتبار آن کس در نظر ایشان از میان می‌رفت، مگر آنکه به توبه و بازگشت از این خصلت، آگاه می‌گردید. ^(۱)

دین اسلام تاکید دارد که انسان مسلمان به یکایک خوبیهای اخلاق آراسته باشد و از رذایل آن پاک بماند، اما این احتمال را نیز در نظر گرفته است که ممکن است او نتواند همیشه به سرحد عالی برسد، به این خاطر برخی لغزشها را از انسان مؤمن محتمل دانسته است، به استثنای یک صفت زشت که نباید به هیچ روی از او سر بزند و آن عبارت از دروغ است.

از پیامبر ﷺ پرسیده شد: آیا ممکن است مؤمن بزدل باشد؟ فرمود: بلی! گفته شد: آیا ممکن است مؤمن بخیل باشد؟ فرمود: بلی! گفته شد: آیا ممکن است مؤمن دروغگوی باشد؟ فرمود: هرگز.

بنا بر آنچه گذشت واضح می‌گردد که راستگویی و راستکاری و دوری گزیدن از دروغ در میان فضایل اخلاق جایگاه ارزشمند و بسیار مهمی دارد، و آراسته گردیدن افراد امت به این فضیلت از مهمترین اسباب کامیابی دنیوی و اخروی آنان است؛ ولی هرگاه دروغگویی در جامعه رواج یابد و کسی در برابر این پدیده شوم حساسیت و مخالفتی نشان ندهد، سقوط و تباهی آن جامعه حتمی خواهد بود.



فعالیت

شاگردان در مورد نتایج و آثار زشت فقدان صداقت و راستی در جامعه بحث و گفتگو نموده نظریات خود را همراه با نمونه‌های عملی از محیط خویش ارائه نمایند.





خلاصه

- انسان راستگو و صادق در اخلاق اسلامی به مقام صدیقان و شهدا می‌رسد.
- راستی انسان را به نیکو کاری هدایت می‌کند و نیکو کاری مؤمن راستگو را به بهشت می‌رساند.
- راستی در سخن گفتن، اخلاص نیت و انگیزه وفا کردن به عهد و پیمان و مطابقت میان قول و عمل از اشکال و مظاهر راستی و صداقت به شمار می‌رود.
- عالی ترین درجات راستی صادق بودن در خصلتهای ایمانی، محبت خداوند جَلَّ جلاله توکل و رضا و خشنودی در برابر او تعالی می‌باشد.

ارزیابی

۱. راستگویی چه تاثیری بر منزلت انسان مسلمان دارد؟
۲. صدیقان چه کسانی هستند؟
۳. اگر پیامبر صلی الله علیه و آله از کسی دروغی می‌شنید، در چه صورتی او را می‌بخشید؟
۴. صادق بودن در خصال ایمانی در کدام درجه راستی قرار دارد؟
۵. آیا دروغگویی با بزدلی و بخل برابر است؟
۶. راستی و صداقت در وحدت و قوت جامعه چه اثر دارد؟

کارخانه‌گی

راجع به اهمیت راستی و صداقت در تقویت وحدت و اعتماد میان افراد جامعه یک مقاله بنویسید که از پنج سطر کمتر نباشد.



اجتناب از دروغ

در درس گذشته حقیقت راستی، فضیلت راستی و مفاهیم آن را دانستیم. زیبایی و عظمت راستی زمانی بیشتر تبارز می‌کند که زیانها و عواقب دروغ را نیز دریابیم؛ چنانچه گفته اند "پدیده‌ها با ضد شان شناخته می‌شوند"، بناءً هنگامی به کمال راستی نایل می‌شویم که از هر نوع دروغ دوری گزینیم.

زشتی دروغ

نخست باید بدانیم که زشتی دروغ‌گویی به چه پیمانه است، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است: **(إِذَا كَذَبَ الْعَبْدُ كَذِبَهُ تَبَاعَدَ مِنْهُ الْمَلِكُ مَسِيرَةَ مِيلٍ، مِنْ نَتْنٍ مَا جَاءَ بِهِ)**^(۱) ترجمه: هرگاه بنده ای یک بار دروغ بگوید، فرشته به خاطر تعفن عمل وی به مسافت یک میل راه از وی فاصله می‌گیرد.

این روایت نشان می‌دهد که زیان وزشتی دروغ‌گویی به جهان انسانها خلاصه نمی‌گردد بلکه فرشتگان نیز از آن آزار می‌بینند و از شخص دروغگو بیزار می‌شوند.

دروغ در شکل مزاح

ساده ترین نوع دروغ آن است که به شکل مزاح گفته می‌شود. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرموده است: "بنده به کمال ایمان نمی‌رسد مگر آن گاه که دروغ را ترک کند حتی در مزاح.." ^(۲)

اگر کسی عادت می‌کند دروغ را به قصد به خنده آوردن دیگران بگوید، گناهِش بیشتر است. از آن بدتر، گفتن دروغهایی است که دهان به دهان نقل شود و باور مردمان را به بازی گیرد، چنان که برخی رسانه‌ها گاهی چنین می‌کنند. در حدیثی از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت شده که چنین کسانی از لحظه مردن تا روز قیامت به عذابی دردناک مبتلا خواهند بود. ^(۳)

۱- الطبرانی

۲- مسند احمد

۳- صحیح بخاری.





دروغ در معامله

دروغ گفتن در معامله و تجارت نیز نارواست، به خصوص اگر با سوگند و قسم همراه گردد. پیامبر ﷺ فرموده است: (الْبَيْعَانِ بِالْخِيَارِ مَا لَمْ يَتَفَرَّقَا، فَإِنْ صَدَقَا وَبَيْنَا بُورِكَ هُمَا، وَإِنْ كَذَبَا وَكَتَمَا مُحِقَتْ بَرَكَةُ بَيْعِهِمَا)^(۱)

ترجمه: بایع و مشتری حق اختیار دارند تا آن وقت که از هم جدا نشده اند، اگر آنان به هم راست گفتند و حقیقت را بیان داشتند، در معامله ایشان برکت نهاده می‌شود، و اگر دروغ گفتند و پنهان کاری کردند، برکت معامله شان نابود می‌شود.

دروغ در شهادت

بدتر از همه دروغ گفتن هنگام گواهی و شهادت دادن است، زیرا یکی از بزرگترین گناهان کبیره شهادت و گواهی ناحق است؛ و طبق حدیثی که امام بخاری روایت کرده این عمل به لحاظ زشتی پس از شرک و عقوق والدین و قتل نفس قرار می‌گیرد.

دروغ حاکم به ملت

دروغها به تناسب پیامدهای زیانبارشان از همدیگر متفاوت اند و گناه برخی از آنها نسبت به برخی دیگر بیشتر است؛ مثلا دروغی که حکام به ملت‌های شان می‌گویند (به غرض فریب دادن بسیاری از مردم و بازی کردن با سرنوشت آنان) مانع ورود شان به بهشت می‌گردد. پیامبر ﷺ فرموده است: (ثَلَاثَةٌ لَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ: الشَّيْخُ الزَّانِي، وَالْإِمَامُ الْكَذَّابُ، وَالْعَائِلُ الْمُزْهُوُّ).^(۲)

ترجمه: سه گروه به بهشت داخل شده نمی‌توانند: پیرمرد زناکار، حاکم دروغگوی و فقیر متکبر.

بدترین دروغها

بدتر از همه انواع دروغ، نسبت دادن دروغ به خدا و پیامبر است، یعنی موضوعاتی را از نزد خود ساختن و به دین نسبت دادن که گویا خدا و پیامبر چنین گفته اند، در حالی که آن چنان نباشد. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: (مَنْ كَذَبَ عَلَى مُتَعَمِّدًا فَلْيَتَّبِعُوا مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ).^(۳)

۱- الطبرانی.

۲- بزار.

۳- البخاری





ترجمه: هرکس عمدا برمن دروغی ببندد، باید جایگاهش را در دوزخ آماده سازد. برای متصف شدن به صفت راستگویی و رسیدن به مقام صدیقان، باید از همه انواع دروغ اجتناب ورزیم و کوشش نماییم تا به تمامی مفاهیم راستی آراسته شویم.

فعالیت



اگر شما مسؤول یکی از رسانه‌ها باشید چگونه از پخش دروغ جلوگیری می‌کنید؟ در کتابچه خود یاد داشت کنید.

خلاصه

- دروغ و دروغگویی در مقابل راستی و صداقت قرار دارد.
- زیان و زشتی دروغ آنچنان وخیم است که از جهان انسانیت گذشته و حتی فرشتگان از شخص دروغگو بیزار می‌شوند.
- دروغ بطور مزاح، دروغ در معامله، دروغ در شهادت دادن، دروغ حاکم و مسؤول به ملت، همه از انواع و اشکال دروغ می‌باشند.
- بدترین دروغ این است که انسان چیزی را به دروغ به خدا و پیامبرش نسبت بدهد.

ارزیابی

۱. چرا فرشته از انسان دروغگو فاصله می‌گیرد؟
۲. آیا دروغ گفتن در مزاح جایز است؟
۳. خنداندن مردم با دروغ چه حکم دارد؟
۴. دروغ گفتن در معامله و تجارت چه پیامد دارد؟
۵. گواهی دروغ چگونه گناهی است؟
۶. دروغ حاکم و زمامدار به ملت چگونه است و چه حکم دارد؟
۷. بدترین نوع دروغ کدام است؟

کارخانه‌گی

مطلبی کوتاه درباره زیانهای اجتماعی گواهی دروغ بنویسید.





شتافتن به خوبیه‌ها

دین اسلام پیروانش را تشویق کرده است که درشتافتن به خوبیه‌ها و اقدام به کارهای نیک، پیشگام باشند. چه شناختی از خوبیه‌ها و بدیه‌ها در جامعه دارید؟ گسترش خوبیه‌ها در جامعه چه اثرات و نتایجی دارد؟ و غلبه شرارتها و بدیه‌ها در جامعه چه عواقبی بار می‌آورد؟

چگونه خوبیه‌ها را گسترش دهیم؟

معلوم است که در جامعه انسانی خیر و شر و یا خوبی و بدی به تنهایی و بصورت مطلق وجود ندارد، بلکه بنا به سرشت آدمی که همزمان مستعد به تقوی و فجور آفریده شده، در جامعه نیز خیر و شر و زیبایی و زشتی دوشا دوش هم حضور خواهند داشت، و از اینرو برکندن همه زشتیها و از میان برداشتن همه شرارتها، کاری است دشوار و غالباً ناممکن.

مهار نمودن بدیه‌ها و گسترش بخشیدن خوبیه‌ها به روشهای زیر حاصل می‌شود:

۱- یکی از راههایی که به تقویۀ خوبیه‌ها یاری می‌رساند خو گرفتن مردم و عادت دادن ایشان به پیشگام شدن در کارهای نیک است؛ زیرا بسیاری از مردم در این زمینه از خود تردید نشان می‌دهند و منتظر می‌مانند که دیگران چه می‌گویند و چه می‌کنند، و هنگامی بدین راه روی می‌آورند که مطمئن شوند نه تنها تهدید یا سرزنشی متوجه ایشان نیست، بلکه تشویق یا منفعتی در انتظار ایشان است.

این روحیه اگر همگانی گردد و تغییر نکند، زمینه چندان‌ی به رشد و گسترش خوبیه‌ها نمی‌ماند و امیدی به پرورش فضایل نمی‌توان داشت. در شرایطی امکان کاهش شرارتها و به حداقل رساندن ردیلتها میسر می‌گردد که مردم بی تردید و بدون واهمه به اعمال



نیک کمر ببندند و به انتظار ترغیب و تایید دیگران ننشینند.

پیشگام شدن یک مسلمان به کارهای نیک سبب تشویق و تشجیع دیگران در آن زمینه می‌گردد، زیرا او با نشان دادن نمونه عملی، خود نقش الگو را پیدا می‌کند، والگو همواره از عوامل مهم در تشویق دیگران به شمار می‌رود. و به همین دلیل او برابر همه کسانی که به او اقتدا کنند پاداش دریافت خواهد داشت؛ چنانکه در حدیثی آمده است: **(مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَعَمِلَ بِهَا كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَمِثْلُ أَجْرِ مَنْ عَمِلَ بِهَا لَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ هِمَّ شَيْءٍ)**.^(۱) ترجمه: کسی که شیوه نیکوی را پایه گذارد که بعد از وی دیگران به آن عمل نمایند، هم پاداش خود را می‌گیرد و هم به اندازه پاداش کسانی که به آن عمل کنند، دریافت می‌نماید، بدون آنکه از پاداشهای آنان چیزی کاسته شود.

پیشگام شدن در خوبیها

از دیگر سو، زمینه رقابت مثبت و سازنده میان افراد جامعه فراهم می‌آید و انگیزه‌های نیکوکاری در مردم قوت می‌گیرد. این درست است که همچشمیهای بیجا و رقابت‌های ناروا در شمار رذایل قرار دارد، ولی هرگونه رقابتی نا روا نیست، بلکه برخی رقابتها که متعلق به کارهای نیک باشد، از اموری است که نه تنها مانعی بر آنها وارد نیست، بلکه دین اسلام بدانها تشویق کرده است، چنانکه خداوند عز و جل فرموده است: **﴿وَفِي ذَلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ﴾** [المطففين: ۲۶]

ترجمه: و در آن رقابت کنندگان باید به رقابت پردازند.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در حدیثی برخی از رقابتها را مجاز و پسندیده خوانده و فرموده است: "رقابت در میان تان روا نیست مگر در دوجای، یکی آنکه خداوند عزوجل به شخصی توفیق یادگیری قرآن را داده باشد و او شبانه روز بدان پردازد و از آن پیروی کند، آن گاه کسی (آرزو کند و) بگوید اگر خداوند متعال آنچه را به فلانی داده است به من هم بدهد من نیز به آن همانگونه خواهم پرداخت که او بدان می‌پردازد. دوم شخصی که خداوند به اوسرمایه ای داده و او آن را انفاق کند و صدقه بدهد، دیگری بگوید کاش خداوند به من نیز همانند او بدهد تا من نیز صدقه بدهم."





با توجه به آنچه گذشت به این نتیجه می‌رسیم که پیشگام شدن در کارهای نیک یکی از ویژگیهای ارزنده اخلاقی است که به شکوفایی فضایل در جامعه اسلامی و تقویت رقابتهای سالم و سودمند کمک می‌رساند.



فعالیت

مثالی را در حضور هم‌صنفیهای خود درباره پیشگام شدن تان در کارهای نیک بیان کنید.

خلاصه

- در جامعه خیر و شر، خوبی و بدی هر دو وجود دارند. اما وظیفه انسانها است که خوبی‌ها را گسترش بدهند تا بدیها و زشتی‌ها از جامعه نابود شود.
- پیشگام شدن در خوبیها و عمل کردن به آن دیگران را برای کارهای خوب تشویق می‌کند.
- از نگاه اخلاق اسلامی هرگاه انسان یک عمل و یا طریقه نیک را اساس بگذارد، اجر آن به اندازه ثواب کسانی که به آن طریقه عمل می‌کنند برای همان شخص اساس گذار خوبیها می‌باشد.

ارزیابی

- ۱- آیا در جامعه همیشه خوبیها وجود دارد یا بدیها؟
- ۲- اگر برکندن همه زشتیها ناممکن باشد پس چه باید کرد؟
- ۳- چرا بسیاری از مردم در اقدام به کارهای نیک دچار تردید می‌شوند؟
- ۴- در چه شرایطی امکان کاهش شرارتها وجود دارد؟
- ۵- چگونه الگوی عملی به تقویت خوبیها کمک می‌کند؟
- ۶- آیا همه انواع رقابتهای ناپسندیده است؟
- ۷- دو نمونه از رقابتهای مشروع در اخلاق اسلامی را ذکر نمایید؟



کارخانه‌گی

مطلب کوتاهی درباره گسترش خوبیها از طریق پیشگام شدن در کارهای نیک بنویسید.





رقابت نمودن در خوبیه‌ها

در درس گذشته گفته شد که پیشگام شدن به کارهای نیک یکی از صفاتی است که از نظر اسلام اهمیت خاص دارد. رقابت نمودن در اعمال نیک و پیشگام شدن در خوبیه‌ها چه اهمیت دارد و در جامعه چه اثراتی می‌گذارد؟



فعالیت

هرگاه شرایط اجتماعی در یک جامعه بجایی برسد که فساد و ردیلت بر خیر و فضیلت غلبه کند، در اینگونه شرایط چه باید کرد؟ شاگردان با رهنمایی استاد راههای حل ارایه نمایند.

اهمیت رقابت در نیکیها

قرآن کریم شماری از صالحان گذشته را بدین جهت ستوده است که آنان در کارهای نیک از دیگران سبقت می‌گرفتند، چنانکه درباره حضرت زکریا علیه السلام و خانواده اش می‌فرماید:

﴿إِنَّهُمْ كَانُوا يُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَيَدْعُونَنَا رَغَبًا وَرَهَبًا﴾ [الأنبياء: ۹۰]

ترجمه: آنان به نیکی می‌شتافتند و ما را از روی امید و بیم می‌خواندند. همچنان خداوند متعال در وصف بندگان صالحش فرموده است: ﴿وَيُسَارِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَأُولَئِكَ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ [آل عمران: ۱۱۴]

ترجمه: وبه نیکوکاری می‌شتابند و آنان از شایسته‌گانند.

هنگامی که زمینه انجام کارهای نیک فراهم آید، باید انسان مسلمان از دیگران سبقت جوید و پیش از آنان اقدام کند، زیرا خداوند جل جلاله فرمان داده است: ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ [البقره: ۱۴۸]





ترجمه: در نیکیه‌ها و اعمال خیر، بر یکدیگر سبقت جوئید.

برخی از دانشمندان بزرگ و پیشوایان امت، از این آیه کریمه استنباط نموده اند که بهتر است تا نمازها در اول وقت ادا گردد؛ زیرا این عمل نوعی سبقت جستن در کارهای خیر است. البته دیگر اعمال نیک نیز در این حکم داخل اند، زیرا مقصد آیه کریمه این است که مسلمان به شتافتن در کارهای نیک عادت کند و همیشه در این گونه اعمال پیشگام باشد. مسلمانانی که در صدر اسلام از دیگران زود تر مسلمان شده بودند به آنان "سابقین اولین" گفته شده؛ یعنی نخستین سبقت جویندگان به ایمان و اسلام و آنان چندین بار در قرآن کریم بدین وصف مورد ستایش قرار گرفتند و پادشاهای ارزنده ای به آنان وعده داده شد.

مؤمنان سبقت کننده بهتر اند

همچنان قرآن کریم انسانهای مؤمن را بر اساس عملکردشان به سه دسته عمده تقسیم می‌نماید، یکی آنان که در ضمن مسلمانی مرتکب تقصیراتی شده اند، دوم کسانی که از گناهان اجتناب ورزیده اما در کارهای نیک چندان تبارزی نداشته اند و سوم کسانی که علاوه بر اجتناب از هرگونه کار ناروا همیشه در کارهای نیک در کیفیت و کمیت از دیگران سبقت می‌گرفته اند. خداوند ﷻ فرموده است: ﴿ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ﴾ [فاطر: ۳۲].

ترجمه: سپس این کتاب را به گروهی از بندگان بر گزیده خود به میراث دادیم؛ اما از میان آنها عده ای بر خود ستم کردند و عده ای میانه رو بودند و گروهی به اذن خدا در نیکیه‌ها پیشی گرفتند و این همان فضل بزرگ است.

به همین دلیل است که تأنی و خویشتن داری از نظر اسلام امری شایسته تلقی شده و از مسلمانان خواسته شده است تا از شتابزدگی و عجله بپرهیزند، مگر آن گاه که نوبت به کارهای خیر رسد، زیرا در آن صورت شتاب بهتر از تأنی و تأخیر است. پیامبر اسلام فرموده است: (التَّوَكُّهُ فِي كُلِّ شَيْءٍ إِلَّا فِي عَمَلِ الْآخِرَةِ)^(۱)





ترجمه: بهتراست هرچیزی با آرامی وبدون شتاب صورت گیرد مگر عملی که مربوط به آخرت باشد.

قرآن مجید نیز شتافتن به کاری را که به آمرزش گناهان و رسیدن به نعمتهای الهی منتهی گردد به صراحت فرمان داده است، چنانکه فرموده است: ﴿وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ﴾ [آل عمران: ۱۳۳].

ترجمه: وشتاب کنید برای رسیدن به آمرزش پروردگار تان؛ و بهشتی که وسعت آن آسمانها و زمین است؛ و برای پرهیز گاران آماده شده است.

اگر شرایط اجتماعی به نابسامانیهایی از نظر دینی و اخلاقی آلوده گردد، یکی از بهترین راههای نجات و پاک ماندن از آلودگیها شتافتن به کارهای نیک است. پیامبر اسلام ﷺ فرموده است: (بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فِتْنًا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ يَصْبِحُ الرَّجُلُ مُؤْمِنًا وَيَمْسِي كَافِرًا أَوْ يَمْسِي مُؤْمِنًا وَيَصْبِحُ كَافِرًا يَبِيعُ دِينَهُ بِعَرَضٍ مِّنَ الدُّنْيَا)^(۱)

ترجمه: بشتابید به کارهای نیک (در آن هنگام که) فتنهها باشد همانند پردههای شب تاریک، که یک شخص صبحگاهان مؤمن است و در شامگاه کافر می شود، یا شامگاهان مومن است و در بامداد کافر می شود، دینش را به متاع و اجناس دنیا می فروشد.

بنا بر آیات و روایاتی که ذکر شد باید یک مسلمان خود را عادت دهد که در کارهای نیک پیشگام باشد تا هم به موفقیتهای معنوی و پاداشهای الهی دست یابد و هم در کارهای دنیوی خود به موفقیت و ترقی نایل گردد.



فعالیت

معلم محترم شاگردان را به چند گروه تقسیم کند و از هر گروه بخواهد با مشوره همدیگر ابتکاراتی را در زمینه کارهای نیک یاد داشت بگیرند و در پیشروی صنف بیان کنند.





خلاصه:

- اخلاق اسلامی انسانها را به سبقت نمودن در کارهای نیک دعوت و تشویق می‌نماید.
- قرآن کریم انبیای الهی -علیهم السلام- را به سبب مبادرت و پیشی گرفتن شان در کارهای خیر و نیک ستایش نموده است.
- مسلمانانی که در صدر اسلام نسبت به دیگران زود تر مسلمان شدند صفت نیک و پسندیده "سابقین اولین" را کمایی نمودند.
- در صورتی که شرایط اجتماعی از نظر دینی و اخلاقی دچار انحراف و نا بسامانیها گردد، وظیفه انسانهای با ایمان وبا رسالت شتافتن و مبادرت ورزیدن به خوبیها و نیکی‌ها می‌باشد.

ارزیابی

- ۱- چرا برخی علمای دین ادای نماز در اول وقت را بهتر دانسته است؟
- ۲- آیا شتافتن به کارهای نیک مخصوص به عبادات است؟
- ۳- سابقین اولین به چه کسانی گفته شده است؟
- ۴- قرآن مؤمنان را به چند دسته تقسیم کرده است؟ این دسته‌ها را نام بگیرید و از قرآن کریم در این مورد استشهاد نمایید.
- ۵- آیا خویشتن داری و تأنی در هر جا نیکو است؟

کارخانه‌گی

مطلب کوتاهی درباره نقش شتافتن به خوبیها در نجات از فتنه‌ها بنویسید.



امانت در اسلام

امانت چی را می گویند؟ عناصر امانت چیست؟ فواید و ارزشهای امانت در جامعه انسانی چگونه است؟

داشتن صفت امانت برای افراد سبب اطمینان و ترقی در دنیا و موجب نجات و کامیابی در آخرت میگردد. در این درس موضوعات فوق الذکر را مطالعه می نماییم.

معنای لغوی امانت

امانت در زبان عربی آرامش و اطمینان را گویند، و امین کسی است که بر وی باور و اعتماد شود، و در مورد وی اطمینان موجود باشد، و مقصد آن حفظ و امان و ایفای یک حق را می گویند. ضد امن ترس و خوف می باشد.

معنای اصطلاحی امانت

امانت عبارت است از رعایت حقوق خداوند، به ترتیبی که انسان فرایض و واجبات را ادا کند و حقوق بنده گان خدا را بجا آورد، کاری که به او سپرده شده باشد آنرا با شایستگی انجام دهد، اگر حفاظت مالی به وی سپرده شده باشد در آن خیانت نرزد و قصد وی در جامعه حفاظت و نگهداری ارزشهای خداوندی و حقوق افراد جامعه باشد.

انواع امانت

باید بدانیم که امانت در ساحات مختلف زنده گی بکار برده می شود و انواع و اقسام گوناگون دارد که از جمله انواع و اقسام زیر را میتوان ذکر نمود:

۱. هرگاه امانت ادای یک مسؤولیت باشد، به آن «مسؤولیت ویا وجیبه» گفته می شود.
۲. و اگر وفاداری در مقابل یک قرار داد و یا تعهد باشد، به آن «وفا و التزام» گفته می شود.





۳. و اگر کسی در یک زمان در سپردن امانتی صداقت نشان بدهد آنرا «صداقت و راستی» می‌گویند.

۴. و اگر در یک مجلس بالای اهداف و مقاصد مهمی توافق صورت بگیرد، حفظ اخبار و اسرار آن امانت «راز داری» خوانده می‌شود.

اهمیت امانت

امانت در شریعت اسلامی یک مسؤولیت بزرگ و مهم شمرده شده است. و به حاکم و زمامدار حکم گردیده تا امانت‌ها را به اشخاص با اهلیت و امین بسپارد؛ چنانچه خداوند متعال می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾ [سوره النساء، آیت: ۵۸]

ترجمه: خداوند متعال شما را فرمان می‌دهد تا امانت‌ها را به صاحبان آن بدهید. از جانب دیگر خداوند ﷺ مؤمنان را امر می‌کند در امانت‌ها خیانت نورزند، چنانچه می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا أَمَانَاتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾ [سوره الانفال، آیت: ۲۷]

ترجمه: ای کسانی‌که ایمان آورده اید! به خداوند و پیامبر خیانت نکنید؛ و در امانت‌های خود خیانت روا مدارید، در حالیکه می‌دانید.

به همین قسم در مورد اهمیت حفظ وادای امانت احادیث نبوی زیادی ذکر گردیده که در یک حدیث مبارک پیامبر ﷺ فرموده اند: (لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ).^(۱)

ترجمه: کسی که امانت را نگهداری نکند، ایمان ندارد، و کسی که از عهد خود خلاف ورزی کند، دین ندارد.

همچنان پیامبر ﷺ در حدیث دیگری صفت خوب امانت را به کسی بشارت داده است که شخص مؤمن و امین بوده باشد، چنانچه می‌فرماید: (الْمُؤْمِنُ مَنْ أَمِنَهُ النَّاسُ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ)^(۲)

ترجمه: مؤمن کسی است که مردم وی را در اموال و در نفس‌های شان امین بدانند.

۱- رواه احمد.

۲- مسند الصحابه.





عناصر امانت

امانت دارای سه عنصر مهم است که شخص امین بایست این سه اصل را رعایت کند:

۱. چیزیکه حق وی نباشد، از آن خود داری کند.
۲. حق دیگری را ادا کند، با داشتن قدرت به عدم ایفای آن.
۳. چیزی که به وی سپرده شده، آنرا بدون کم و کاست حفاظت نماید.

فواید امانت در جامعه

وفا نمودن به امانت سبب اعتبار و باور می‌گردد.

۱. در جامعه احساس امن و امان و اطمینان را تقویت می‌کند.
۲. در جامعه همه امور به صورت خوب و درست انجام می‌گردد.
۳. شناخت و رعایت امانت از هر نوع درگیری، غدر و ضیاع حقوق جلوگیری می‌نماید.

۴. وفای امانت سبب رضای خداوند و خوشحالی بنده‌گان او می‌گردد.

هرگاه خواسته باشیم کامیابی دنیا و آخرت نصیب ما شود، پس لازم است ارزش و فواید امانت را در نظر گرفته، در کارهای خود امور مربوط به خانواده، وظایف و مسؤولیت های اداری و سایر عرصه‌های زنده‌گی امانت را حفظ و ادا نماییم و این اخلاق بزرگ را شعار و عمل خود بگردانیم.

فعالیت



معلم محترم شاگردان را تشویق نمایند تا آیت و حدیث زیر را با آواز بلند بخوانند و معنای آنرا بفهمند.

۱. ﴿إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا﴾
۲. (لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا أَمَانَةَ لَهُ وَلَا دِينَ لِمَنْ لَا عَهْدَ لَهُ).





خلاصه

- امانت عبارت از رعایت حقوق خداوند متعال، ایفای حقوق بنده گان خدا و انجام مسئولیت‌های فردی و اجتماعی می‌باشد.
- وجایب و مسئولیت‌ها، وفا و التزام، صداقت و راستی، راز داری و پوشانیدن اسرار دیگران از جمله انواع امانت در اخلاق اسلامی می‌باشد.
- اخلاق اسلامی ایمان‌داری و دیانت را مشروط به امانت داری نموده است.
- ایفای حقوق دیگران و حفاظت و نگهداری کامل آنچه به انسان سپرده می‌شود از عناصر اصلی امانت است.
- امانت دارای فواید زیاد است که با مراعات آن زندگی فردی و اجتماعی انسانها به اطمینان و رفاه و سعادت همه جانبه مبدل می‌گردد.

ارزیابی

۱. مقصد از امانت چیست؟ توضیح بدهید.
۲. انواع و اقسام امانت کدامها اند؟
۳. سه عنصر امانت را توضیح بدهید.
۴. فواید و ارزشهای امانت در جامعه چیست؟

کارخانه گی

در مورد یکی از عناوین زیر مقاله ای بنویسید که کمتر از پنج سطر نباشد.

۱. حفاظت و نگهداری اموال خانه.
۲. حفاظت و نگهداری اموال مسجد و مدرسه.
۳. کتاب، کتابچه، قلم و هر امانت دیگر همصنفی‌ها و دوستان خود را به وقت آن مسترد نمودن.





ترحم و مهربانی

پیامبر اسلام حضرت محمد ﷺ بحیث رحمت برای همه عالمیان فرستاده شده است، چنانچه خداوند متعال این اصل را در کتاب خود به صیغه حصر چنین اعلام نموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ﴾ [الأنبياء: ۱۰۷]

ترجمه: (ای پیامبر!) ما تو را جز رحمت برای جهانیان نفرستادیم. رحمت علامه روح عالی، صفای نفس و نشانه اخلاق نیک و صلاح و پاکی قلب است. بیایید به مفاهیم و ارزشها و فواید این هدیه گرانبهای الهی بیشتر آشنا شویم.

مفهوم رحمت

کلمه رحمت و مشتقات آن نرمش، گذشت، عذوفت، شفقت و ترحم و مهربانی را میگوید، و ضد آن قسوت، سختی و غلظت قلب است.

در اصطلاح شرعی: رحمت به آن خوی و طبیعت اخلاقی گفته میشود که به اساس شفقت و اراده نیک، انسان را بطرف خیر رساندن تشویق میکند. پس انسان با صفت رحمت به قلبهای دیگران احساس شفقت می‌دهد، در خوشحالی اظهار خوشی با ایشان میکند و در حالات غم و حزن با ایشان، غم شریکی و دلسوزی می‌نماید.

جایگاه ترحم و مهربانی در اسلام

ترحم و مهربانی در دین مقدس اسلام جایگاه عالی دارد و همه چیز را شامل می‌باشد. در اسلام چنین رهنمایی شده که مؤمنان مانند یک جسم اند، با یکدیگر به اندازه ای روابط نزدیک دارند، چنانچه عضوی علیل و دردمند باشد بالای دیگر اعضا اثر گذاری می‌نماید. مؤمنان با یکدیگر رحم کننده هستند، در خوشحالی و اندوه با یکدیگر احساس مشترک دارند بزرگ وقوی بر کوچک و ضعیف شفقت میکند، یکی با دیگری در فضای محبت، صله رحم و برادری دست کمک و شفقت دراز میکند، چنانچه پیامبر ﷺ می‌فرماید: (مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِي تَوَادُّهِمْ وَتَرَاحُمِهِمْ وَتَعَاطُفِهِمْ مَثَلُ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى مِنْهُ



عُضْوٌ تَدَاعَى لَهُ سَائِرُ الْجَسَدِ بِالسَّهَرِ وَالْحُمَّى).^(۱)

ترجمه: مؤمنان در دوستی، تراحم و عطوفت میان یکدیگر مانند یک جسد واحد هستند که هرگاه عضوی از آن به رنج و تکلیف گرفتار شود، سایر اعضای جسد را به بی خوابی و درد وادار می‌سازد.

مفهوم این حدیث شریف را شیخ سعدی رحمته به زبان شعر تعبیر نموده است:

بنی آدم اعضای یکدیگر اند که در آفرینش زیک جـوهر اند
چه عضوی بـه درد آورد روزگار دیگر عضوها را نماند قرار
تو کز محنت دیگران بی غمی نشاید که نامت نهند آدمی

در پهلوی آن، مسلمانان در جامعه به نگهداری و ترحم به دیگر مخلوقات تشویق گردیده اند، چنانچه پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: (الرَّاحِمُونَ يَرْحَمُهُمُ الرَّحْمَنُ ارْحَمُوا مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمْكُمْ مَنْ فِي السَّمَاءِ).^(۲)

ترجمه: خداوند رحمان بر رحم کننده‌گان رحم می‌کند، با اهل زمین ترحم کنید تا مورد ترحم آن ذاتی که در آسمان است قرار گیرید.

مظاهر رحمت و ترحم در قرآن کریم

خداوند متعال در آیات مختلف قرآن کریم مؤمنان را به صبر و مرحمت و شفقت امر نموده اجر و ثواب و کامیابی دنیا و آخرت را به این اوصاف نیک مربوط گردانیده است، قرآنکریم می‌فرماید: ﴿وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ﴾ [الإسراء: ۲۴]

ترجمه: وبالهای تواضع خویش را از محبت و لطف، در برابر آنان (والدین) پهن بگردان. همچنان خداوند جل جلاله توصیه کننده‌گان به شکیبایی و ترحم و مهربانی را ستایش نموده و آنها را از جمله گروه راستکاران و راه یافتگان معرفی می‌نماید، آنجا که می‌فرماید:

﴿وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالرَّحْمَةِ﴾ [البلد: ۱۷]

همچنان قرآنکریم در وصف ترحم و مهربانی پیامبر اسلام چنین می‌فرماید:

﴿فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًا غَلِظَ الْقَلْبُ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ﴾ [آل عمران: ۱۵۹]

۱- رواه مسلم.

۲- رواه ابو داود والترمذی.





ترجمه: به برکت رحمت الهی در برابر آنان نرم و مهربان شدی؛ و اگر خشن و سنگدل می‌بودی، از اطراف تو پراکنده می‌شدند. پس آنها را ببخش و برای آنها آمرزش بطلب.

نمونه‌های رحمت و ترحم

- * عیادت نمودن مریضان.
- * کمک و همکاری با بیچاره‌گان و محتاجان.
- * خود داری از ضرر، آزار و اذیت دیگران.
- * همکاری و مشارکت در حل مشکلات و مصیبت دیگران.
- * عفو و بخشش کسی که از ادای حقوق تو کوتاهی نماید.
- * کشیدن دست ترحم بر والدین و کودکان.
- * کمک و یاری رساندن به مسافران و محتاجان.
- * شتافتن به یاری و همکاری آسیب دیده‌گان.
- * سهم گیری برای جستجوی گم شدگان.
- * ترحم بر حیوانات و مکلف نساختن آنها بالاتر از طاقت شان.

ترحم چگونه به دست می‌آید؟

- ترحم و مهربانی با فهمیدن و عملی نمودن موارد زیر به دست می‌آید:
۱. رفق (نرمی) و شفقت را پیشه خود کردن.
 ۲. با دیگران به تواضع و خاکساری تعامل نمودن.
 ۳. در مقابل مشکلات خود و دیگران خویشتن داری و شکیبایی نمودن.
 ۴. عفو و بخشش پیشه کردن.
 ۵. خوی و عادت قناعت را حاصل نمودن.
 ۶. قلب خود را از غلظت، کینه، قهر و ناامیدی پاک نمودن.



فعالیت

هرشاگرد در باره رحمت یک آیت و یا حدیث، در پیشروی شاگردان دیگر بخواند.





خلاصه

- رحمت و ترحم عبارت از خوی و طبیعت اخلاقی است که انسان را بسوی خیر رساندن تشویق نموده و انسان با داشتن این صفت به قلبهای دیگران احساس خوشی می‌دهد و در حالات غم و اندوه با ایشان همنوایی می‌ورزد.
- رحمت و ترحم در دین مقدس اسلام جایگاه عالی دارد و همه صفات نیکو را شامل می‌گردد. قرآن کریم مقصد اصلی بعثت پیامبر ﷺ را رحمت به جهانیان معرفی نموده، پیامبر گرامی اسلام مؤمنان را در ترحم و همبستگی به یک جسم واحد تشبیه نموده است.
- رحمت و ترحم در اخلاق اسلامی از عرصه انسانها فراتر رفته شامل همه مخلوقات خداوند متعال می‌گردد.
- اخلاق رحمت و ترحم با آموزش، تمرین و آزمایش حاصل می‌شود، و با صفات اخلاقی دیگر تقویت می‌گردد.

ارزیابی

۱. رحمت را تعریف کنید.
۲. جایگاه رحمت را در دین مقدس اسلام توضیح بدهید.
۳. اهمیت رحمت را از نگاه قرآن کریم توضیح بدهید.
۴. رحم نمودن چه فوایدی دارد؟ بیان نمایید.
۵. غیر از انسان با دیگر مخلوقات چگونه ترحم کرده می‌توانید؟
۶. راه‌های به دست آوردن رحمت کدام است؟ توضیح بدهید.

کارخانه‌گی

هر شاگرد در چهار سطر فواید ترحم نمودن را بنویسد.





کرم و سخاوت

خداوند کریم است و کرم کننده‌گان را دوست دارد. در این درس میخوانیم که کرم یا سخاوت چی را می‌گویند؟ کرم صفت چه کسی است؟ قرآن کریم و سنت نبوی در باره کرم چه فرموده اند؟ کرم و سخاوت چه اهمیت دارد؟

معنای لغوی کرم

کرم و یا سخاوت در زبان عربی به معنای مصرف کردن و نفقه نمودن مال و خود داری از بخل را می‌گوید.

معنای اصطلاحی کرم

مصرف نمودن و اعطای مال در وقت ضرورت و حاجت، و به اندازه توان با مستحقان کمک نمودن را کرم و یا سخاوت گویند. پس سخاوت آن صفت کریمی است که انسان نفس خود را به انفاق مال عادت بدهد، از بخل و سخت گیری بپرهیزد و با خوشی و اخلاص مال اصلی خود را در راه نیک و کمک به محتاجان و بیچاره‌گان خرج نماید. در اسلام مؤمنان دارنده‌گان قلب‌های خوب موصوف شده اند که با تنگدستان و بیچاره‌گان دلسوزی می‌نمایند، در تعاون و کمک نمودن پیشقدمی میکنند، از آنچه خداوند ﷻ به ایشان داده است در راه خیر و سازنده‌گی بمصرف می‌رسانند.

تعلیمات اسلامی حکم می‌کند که هر کس باید اخلاق کریمانه داشته باشد، به قدر توانایی کمک کننده باشد، ثروتمندان و مالداران به مصرف نمودن اموال شان در راه خیر تشویق شوند، از حالت فقر و بیچاره‌گان باخبر شوند؛ به هر اندازه‌یی که با مصرف نمودن مال در حل مشکلات جامعه سبقت نماییم به همان اندازه کمبودهای ما تکمیل میشود و همه مردم دارای کار و روزگار میشوند؛ با سخاوت مشکلات فقر و درماندگی افراد جامعه مرفوع میگردد و یک فضای مطمئن و با امن بمیان می‌آید.





کرم و سخاوت در قرآن کریم

اسلام مردم را به انفاق و سخاوت تشویق می‌کند و از بخل منع می‌نماید. قرآن کریم مسلمانان را چنین توصیف می‌کند: ﴿الَّذِينَ يَنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ﴾ [البقرة: ۲۷۳].

ترجمه: آنهایی که اموال خود را، شب و روز، پنهان و آشکار، انفاق می‌کنند، مزد شان نزد پروردگار شان است.

همچنین خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿فَأَمَّا مَنْ أَعْطَى وَاتَّقَى وَصَلَّى بِالْحُسْنَى فَسَنُيَسِّرُهُ لِلْيُسْرَى﴾ [اللیل ۵-۷]

ترجمه: پس آن کس که در راه خدا انفاق کند و پرهیز گاری پیش گیرد و جزای نیک الهی را تصدیق کند ما او را در مسیر آسانی قرار می‌دهیم.

همچنان قرآن کریم مسلمان را آگاه می‌سازد که در مصرف نمودن مال خود اسراف نکند و بکوشد از مال و دارایی خود برای فقیران و مساکین و در راه خداوند عزوجل یک حصه قایل شود. ﴿وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تَبْذُرْ تَبْذِيرًا﴾ [سورة الإسراء، آیت: ۲۶] ترجمه: و حق نزدیکان را بپرداز، و همچنان حق مستمند و مسافرا و هرگز اسراف و تبذیر مکن.

کرم و سخاوت در احادیث نبوی

پیامبر اسلام ﷺ در حدیثی جایگاه مؤمن کریم و سخی را چنین فرموده اند:

قال رسول الله ﷺ: (إِنَّ اللَّهَ قَالَ لِي أَنْفَقْ أَنْفَقْ عَلَيْكَ)^(۱)

ترجمه: رسول اکرم ﷺ گفت: خداوند متعال به من فرموده، که انفاق کن تا من بالایت انفاق کنم.





عن جابر بن عبدالله قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: (السَّخِيُّ قَرِيبٌ مِنَ اللَّهِ، قَرِيبٌ مِنَ الْجَنَّةِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّاسِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّارِ، وَالْبَخِيلُ بَعِيدٌ مِنَ اللَّهِ، بَعِيدٌ مِنَ الْجَنَّةِ، بَعِيدٌ مِنَ النَّاسِ، قَرِيبٌ مِنَ النَّارِ، وَجَاهِلٌ سَخِي أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ عَبْدٍ بَخِيلٍ) ^(۱)

ترجمه: شخص سخاوت مند به الله تعالى، جنت و انسانها نزدیک بوده و از آتش دوزخ دور میباشد و شخص بخیل از الله تعالى، جنت و انسانها دور بوده و به دوزخ نزدیک می باشد، البته شخص جاهل سخاوت پیشه به نزد الله تعالى از عالم بخیل پسندیده تر است.

فواید سخاوت

- با سخاوت و کرم نفس اطمینان و راحت می یابد.
- سبب رضایت خداوند و انسان ها و نزدیک شدن به جنت میگردد.
- نفس پاک و صفا می شود و اوصاف زشت بخل و شح از آن دور میشود، و کسی که از بخل و شح خود را نگهدارد خوشحالی برایش نصیب میشود، چنانچه خداوند عز و جل می فرماید: ﴿وَمَنْ يَوْقَ شَحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفٰلِحُونَ﴾. [الحشر ۹]
- ترجمه: و کسانی که از بخل و حرص نفس خویش باز داشته شده اند رستگارند.
- سخاوت در جامعه تعاون، پشتیبانی، مهربانی و همبستگی می آورد، دست قوی را به طرف ضعیف میکشاند و غریب را به کرم مالدار وصل می سازد که سر انجام یک جامعه یکپارچه بوجود می آید.
- سخاوت انسان را از حرص و طمع باز میدارد.
- از فقر و بیچاره گی جلوگیری میکند، از اسراف داراییها منع میکند و بالآخره عامل مؤثری در مقابل قیمتی، چور و چپاول قرار میگیرد.



فعالیت

شاگردان با رهنمایی استاد محترم مفهوم سخاوت و بخل را پیش روی صنف توضیح بدهند.





خلاصه

- کرم و یا سخاوت مصرف نمودن و اعطای مال به حاجتمندان را گویند.
- اخلاق اسلامی مؤمنان را به داشتن صفت کرم و سخاوت تشویق و ترغیب نموده تا با مصرف نمودن مال و دارایی شان در جهت خیر و کمک افراد جامعه سبقت جویند.
- همچنان اخلاق اسلامی؛ مؤمنان را تشویق می کند تا از اسراف و تبذیر بپرهیزند.
- تقویت اخلاق کرم و سخاوت سبب آرامش، سعادت، فلاح و رستگاری انسان در دنیا و آخرت، حصول رضای خداوند متعال، خوشحالی افراد جامعه و محبت و همبستگی جامعه اسلامی می گردد.

ارزیابی

۱. معنای لغوی و اصطلاحی سخاوت را بیان نمایید.
۲. راجع به کرم و سخاوت از قرآن کریم دلیل ذکر نمایید.
۳. جایگاه سخاوت را در احادیث نبوی چگونه می بینید؟ توضیح بدهید.
۴. فواید سخاوت را در حیات اجتماعی تشریح کنید.
۵. در جامعه ای که کرم و سخاوت وجود نداشته باشد عواقب آن جامعه را چگونه می بینید؟

کارخانه گی

شاگردان با استناد به آیات مبارکه و احادیث نبوی راجع به سخاوت یک یک مقاله بنویسند.